

فهرست

Lesson One: Sense of Appreciation

۸	گرامر
۱۷	واژگان
۲۲	درک متن
۲۳	آشتی با کتاب درسی
۲۹	پرسش‌های امتحانی
۳۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۴۲	پاسخنامه تشریحی

Lesson Two: Look it Up!

۵۳	گرامر
۶۰	واژگان
۶۵	درک متن
۶۸	آشتی با کتاب درسی
۷۳	پرسش‌های امتحانی
۷۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۸۶	پاسخنامه تشریحی

Lesson Three: Renewable Energy

۹۸	گرامر
۱۰۶	واژگان
۱۱۲	درک متن
۱۱۴	آشتی با کتاب درسی
۱۲۰	پرسش‌های امتحانی
۱۲۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۳۴	پاسخنامه تشریحی



Sense of Appreciation

Lesson 1

۲۲	● نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات درک متن	۸	● گرامر
۲۳	● آشتی با کتاب درسی	۱۱	بخش اول: جملات مجهول
۲۹	● پرسش‌های امتحانی	۱۴	بخش دوم: سؤالات ضمیمه
۳۲	● پرسش‌های چهارگزینه‌ای		بخش سوم: جملات مرکب
۴۲	● پاسخ‌نامه تشریحی		● واژگان
		۱۷	کلمه‌های مهم کتاب درسی و کار
		۲۰	هم‌آیندها

آموزش مفهومی

گرامر

بخش اول: جملات مجهول (Passive Voice)

با هم روراست باشیم. آخرین باری که خرابکاری کرده‌اید و آن را به گردن گرفته‌اید، چه زمانی بوده است؟ اغلب در این گونه مواقع لیوان خودش شکسته شده و تلویزیون خودش خراب شده است. خب این هم از آن دست خصوصیات جالب ما انسان‌هاست. مثلاً وقتی یک امتحان را خراب می‌کنیم، می‌گوییم: «امتحانم خراب شد». آخر امتحان بی‌زبان چگونه خودبه‌خود خراب می‌شود؟؟ آیا دست‌های پشت پرده‌ای در این داستان دخیل نبوده‌اند؟ البته که منظورم به مراقب، ممتحن، معلم و این قبیل افراد نیست، بلکه شخص شخیص دانش‌آموز است که در طی سال و شب قبل از امتحان هر کاری انجام داده به‌جز درس خواندن ...

در این گونه مواقع که هیچ کسی پیدا نمی‌شود اتفاق افتاده را به گردن بگیرد از یک ساختار جادویی به نام ساختار مجهول استفاده می‌کنیم. در این ساختار فاعل که انجام‌دهنده عمل ماست یا به کل از صحنه جمله حذف می‌شود یا یک گوشه و کناری که خیلی به چشم نیاید به کار برده می‌شود. از آن جایی که همه انسان‌های کره زمین در باطن تقریباً به یک شکل هستند، همه سعی دارند از زیر خرابکاری‌شان شانه خالی کنند. ساختار مجهول، تا جایی که من اطلاع دارم، در تمام زبان‌ها وجود دارد؛ مثلاً در زبان فارسی می‌گوییم: «ماشین خراب شده.» و در انگلیسی می‌گوییم: «The car is broken.»

در هیچ کدام نمی‌گوییم که چه کسی آن را خراب کرده! پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که جمله مجهول جمله‌ای است که در آن فاعل وجود ندارد و یا این که فاعل در جایگاه خود به کار برده نشده است.

البته بد نیست این را هم بگوییم که از جملات مجهول فقط برای بیان مطالب ناخوشایند استفاده نمی‌کنیم. برای آن که منظورم را بهتر درک کنید، به مثال‌های زیر توجه کنید:

The dishes were washed.

ظرف‌ها شسته شد.

Persian handmade carpets are woven by young girls in villages.

فرش‌های دستباف ایرانی توسط دخترهای جوان در روستاها بافته می‌شوند.

چرا از جملات مجهول استفاده می‌کنیم؟

باید بدانیم که از جملات مجهول در ۳ حالت بهره می‌گیریم:

۱ جهت بیان عملی که اطلاعی در مورد آن که چه کسی آن را انجام داده است، نداریم.

The window is broken.

پنجره شکسته شده است.

۲ هرگاه عملی که رخ می‌دهد، از شخص انجام‌دهنده آن اهمیت بیشتری داشته باشد.

Spanish is spoken in South-American countries.

اسپانیایی در کشورهای آمریکای جنوبی صحبت می‌شود.

۳ زمانی که بخواهیم تأکید کنیم که عملی توسط فردی خاص صورت گرفته است یا به عبارت دیگر وقتی بخواهیم انجام‌دهنده عمل را مهم جلوه دهیم، در این حالت کننده کار را به شکل «ضمیر مفعولی / اسم + by» در ادامه جمله مجهول اضافه می‌کنیم.

This painting was painted by my daughter 10 years ago.

این نقاشی ده سال پیش توسط دختر من کشیده شد.

حال ببینیم برای مجهول کردن یک جمله معلوم چه کارهایی باید صورت پذیرد. این کار را قدم به قدم با یک مثال پیش می‌بریم:

He wrote a letter.

او یک نامه نوشت.

۱ همان‌طور که قبلاً گفته شد، جمله مجهول جمله‌ای است که یا فاعل ندارد، یا این که فاعل در جایگاه خود به کار برده نشده است؛ پس در اولین

He wrote a letter.

قدم فاعل جمله معلوم را کنار می‌گذاریم.

۲ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می‌آوریم. برای آن که بهتر درک کنید از شما می‌خواهم که جمله را یک زمین فوتبال فرض کنید!

جایگاه فاعل در جمله حکم دروازه در زمین فوتبال را دارد. همان‌طور که همگی می‌دانید تنها بازیکنی که اگر داخل زمین فوتبال نباشد، داور اجازه

شروع مسابقه را نمی‌دهد، دروازه‌بان است. در این حالت، فاعل جمله حکم یک دروازه‌بان اخراجی را دارد. اغلب در این‌گونه مواقع مربی، دروازه‌بان

ذخیره را جایگزین دروازه‌بان اخراج شده می‌کند یا اگر تعویض‌های تیم تمام شده باشد، لباس دروازه‌بان را بر تن یکی از بازیکن‌های تیم می‌کند و او

را داخل دروازه قرار می‌دهد. حال که فاعل جمله ما اخراج شده است و تعویضی هم نداریم که انجام دهیم، لباس فاعل را بر تن مفعول می‌کنیم و آن

He wrote a letter.

را به دروازه جمله‌مان که همان جایگاه فاعل است، می‌فرستیم.

نکته منظور ما از «لباس فاعل» این است که اگر در جایگاه مفعول یک ضمیر مفعولی به کار برده شده بود؛ یعنی یکی از ضمائر me, you, him, her, it, us, them

آن را باید تبدیل به یک ضمیر فاعلی؛ یعنی یکی از ضمائر I, you, he, she, it, we, they کنیم.

نکته مهم همان‌طور که می‌بینید، پرکننده جایگاه فاعل، مفعول عبارت معلوم است، پس اگر جمله‌ای مفعول نداشته باشد نمی‌توان آن را تبدیل به

جمله مجهول کرد، یا به عبارت دیگر فقط جملاتی قابلیت مجهول شدن را دارند که فعلشان گذرا به مفعول (متعدی) باشد.

مثلاً ما هیچ وقت جمله «He goes to school.» را نمی‌توانیم به شکل مجهول بنویسیم چون فعل این جمله، یک فعل ناگذر است و مفعول ندارد.

۳ در سومین مرحله متناسب با زمان جمله معلوم و چندم‌شخص بودن مفعول عبارت معلوم که جایگزین فاعل در جمله مجهول شده است، فعل

“to be” را صرف می‌کنیم.

• دانستن اشکال مختلف فعل to be در زمان‌های زیر ضروری است:

Simple Present (حال ساده) → am / is / are

Simple Past (گذشته ساده) → was / were

Present Perfect (حال کامل یا ماضی نقلی) → have been / has been

Present Continuous (حال استمراری) → am / is / are + being

Past Continuous (گذشته استمراری) → was / were + being

در مثال مطرح شده زمان جمله معلوم، گذشته ساده (wrote) و مفعول عبارت معلوم، سوم‌شخص مفرد (a letter) است. فعل to be در زمان گذشته

ساده به دو شکل was/were صرف می‌شود. از آن جایی که مفعول جمله معلوم سوم‌شخص مفرد است؛ پس was را به عنوان فعل to be موردنظر

A letter was ...

انتخاب می‌کنیم.

۴ در چهارمین مرحله باید فعل عبارت معلوم را تبدیل به Past Participle یا همان شکل سوم فعل کنیم.

A letter was written.

یک نامه نوشته شد.

تا این‌جا کار جمله معلوم ما تبدیل به یک جمله مجهول شده است، اما اگر بخواهیم تأکید کنیم که عمل موردنظر ما توسط چه فردی صورت

پذیرفته است به مرحله پنجم رجوع می‌کنیم.

۵ در این بخش بعد از شکل سوم فعل اصلی (Past Participle) حرف اضافه by را اضافه می‌کنیم و فاعل عبارت معلوم را که در ابتدای کار کنار

گذاشته بودیم پس از حرف اضافه by به کار می‌گیریم.

نکته در این بخش نیز باید توجه داشته باشیم در صورتی که فاعل کنارگذاشته شده به شکل ضمیر فاعلی باشد، هنگام این جابه‌جایی باید تبدیل

به ضمیر مفعولی گردد. (he → him)

A letter was written by him.

نامه توسط او نوشته شد.

{ Active: Asghar Farhadi directed the movie “Separation”.

{ مثال حال به چند مثال دیگر توجه کنید:

{ Passive: The movie “Separation” was directed by Asghar Farhadi.

{ Active: They have built a new stadium.

{ Passive: A new stadium has been built by them.

Test Two letters for them since last month.

- 1) posted 2) were posted 3) are posted 4) have been posted

پاسخ گزینه (۴) در ابتدا به این نکته توجه کنید: به این مطلب که چه کسی نامه را ارسال کرده، اشاره‌ای نشده است. در نتیجه عبارت پیش رو مجهول است. از طرف دیگر واژه *since* که از علائم زمان ماضی نقلی است، در صورت سؤال به کار برده شده، در نتیجه شکل مناسب برای فعل *to be* در این سؤال *have been* یا *has been* است و تنها گزینه (۴) *have been* دارد که پاسخ ماست.

چگونگی سؤالی و منفی کردن جملات مجهول

منفی کردن:

برای منفی کردن جملات مجهول در زمان‌های حال ساده، حال استمراری، گذشته ساده و گذشته استمراری تنها کفایت *not* به بعد از فعل *to be* *Spanish is not spoken in Iran.*
The letter was not written by him.

همچنین در جملات ماضی نقلی به واسطه وجود افعال کمکی *have* و *has* در آن‌ها *not* به بعد از این دو فعل کمکی افزوده می‌شود.

The FIFA World Cup has not been held in Middle East yet.

Test The dishes yet. Could you please wash them up?

(ریاضی ۹۲)

- 1) have been not washed 2) have not been washed
3) are not being washed 4) had not been washed

پاسخ گزینه (۲) همان‌طور که می‌بینید در این جمله انجام‌دهنده عمل مشخص نیست، در نتیجه با یک عبارت مجهول روبه‌رو هستیم. از طرف دیگر وجود کلمه *yet* بیانگر دو مطلب است: اول آن که زمان عبارت ماضی نقلی است و دیگر آن که عبارت ما یک عبارت منفی است. به همین دلیل *not* باید به فعل کمکی *have* یا *has* افزوده شود که در این‌جا هر دو گزینه (۱ و ۲) مربوط به ماضی نقلی هستند ولی در گزینه (۱)، *not* در جای مناسب خود به کار نرفته پس گزینه (۲) صحیح است.

سؤالی کردن:

برای سؤالی کردن جملات حال و گذشته ساده و استمراری، افعال *to be* به ابتدای جمله منتقل می‌شوند.

Is Spanish spoken in Iran?
Was the letter written by him?

به منظور سؤالی کردن جملات ماضی نقلی نیز *have* یا *has* به ابتدای جمله منتقل می‌شوند.

Has the FIFA World Cup been held in Middle East yet?

Test English by everyone?

- 1) Be / understood 2) Be / understand 3) Is / understood 4) Is / understand

پاسخ گزینه (۳) وجود حرف اضافه *by* بیانگر آن است که با یک جمله مجهول روبه‌رو هستیم. در عبارات سؤالی نمی‌توانیم واژه *be* را به تنهایی به کار ببریم، در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۲) حذف می‌شوند. از طرف دیگر فعل اصلی عبارت مجهول باید به شکل *p.p.* باشد، به همین خاطر گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

فعل‌هایی که دوبار مجهول می‌شوند!

برخی از افعال می‌توانند به طور هم‌زمان دو مفعول داشته باشند. در این حالت یکی از مفعول‌ها مستقیم (بی‌واسطه) و مفعول دیگر غیرمستقیم (متمم) است. مفعول مستقیم، کار مستقیماً رویش انجام می‌شود که از جنس شیء است اما مفعول غیرمستقیم کار برایش انجام می‌شود که اکثراً از جنس شخص است. جملاتی که در آن‌ها افعال دومفعوله وجود داشته باشد را ۲ بار می‌توان مجهول کرد و هر بار یکی از مفعول‌ها را به ابتدای جمله مجهول انتقال داد.

Active: He teaches English to me. Or He teaches me English.

او انگلیسی (مفعول مستقیم) را به من (مفعول غیرمستقیم) آموزش می‌دهد.

Passive 1: English is taught to me.

انگلیسی به من آموزش داده می‌شود.

Passive 2: I am taught English.

به من انگلیسی آموزش داده می‌شود.



• برخی از مهم‌ترین افعال دومفعولی عبارت‌اند از:

ask	پرسیدن، درخواست کردن	give	دادن	lend	قرض دادن
offer	پیشنهاد کردن	pay	پرداختن	promise	قول دادن
refuse	امتناع کردن	send	فرستادن	show	نشان دادن
teach	آموزش دادن	tell	گفتن		

• به‌طور خلاصه برای مجهول کردن جملات معلوم:

- ۱ فاعل جمله معلوم را کنار می‌گذاریم.
- ۲ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله مجهول می‌آوریم.
- ۳ متناسب با زمان جمله معلوم و چندم‌شخص بودن نایب‌فاعل جمله مجهول، فعل to be را صرف می‌کنیم.
- ۴ فعل اصلی عبارت معلوم را تبدیل به P.P. می‌کنیم.
- در صورتی که بخواهیم تأکید کنیم چه کسی کاری را انجام داده: حرف اضافه by را به انتهای جمله اضافه کرده و پس از آن فاعل جمله معلوم را به بعد از حرف اضافه by اضافه می‌کنیم.

بخش دوم: سوالات ضمیمه (Tag Questions)

گاهی پیش می‌آید که قصد گفتن مطلبی را دارید ولی نسبت به آن اطمینان ندارید؛ به طور مثال چند وقت پیش با یکی از دوستانم، که اطلاعات فوتبالی خوبی دارد، در مورد تعداد کشورهایایی که قرار است در جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت کنند صحبت می‌کردم. خیلی نسبت به چیزی که قصد گفتنش را داشتم مطمئن نبودم ولی خب نمی‌خواستم که کم بیارم، گفتم: «تو جام جهانی ۲۰۲۶ چهل و هشت تیم شرکت می‌کنند، مگر نه؟». گفتن عبارت «مگر نه؟»، «درست است؟» و «این‌طور نیست؟» در انتهای جملات، یکی از بهترین ترفندها برای رفع ابهام در مورد مطالبی که قصد گفتنش را داریم ولی نمی‌خواهیم که مخاطب متوجه عدم اطمینان ما شود، است. در زبان انگلیسی برای گفتن «مگر نه؟» باید از ساختاری با عنوان tag question استفاده کرد. اما این ساختار به سادگی گفتن «مگر نه؟» در زبان فارسی نیست. Tag questionها سوالات کوتاهی هستند که در انتهای جملات خبری و برای رفع ابهام به کار برده می‌شوند.

You have three kids, don't you?

شما سه فرزند دارید، مگر نه؟

She isn't a student, is she?

او دانش‌آموز نیست، مگر نه؟

چگونگی ساخت Tag Questions

همان‌طور که در ۲ مثال فوق مشاهده می‌کنید tag questionها با جملات اصلی، به جهت مثبت و منفی بودن، رابطه عکس دارند.

tag? منفی، جمله اصلی مثبت \oplus → tag? مثبت، جمله اصلی منفی \ominus
 ضمیر فاعلی + فعل کمکی مخفف منفی، جمله اصلی \oplus → ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت، جمله اصلی \ominus

• در نتیجه اولین مرحله، تشخیص مثبت یا منفی بودن عبارت اصلی است.

نکته ۱ توجه داشته باشید که فقط وجود not عبارت را منفی نمی‌کند و گاه پیش می‌آید که کلمات منفی‌ساز دیگری در جملات وجود داشته باشند که علی‌رغم ظاهر مثبت، به جمله ما محتوای منفی می‌دهند. برخی از این کلمات عبارت‌اند از: never (هرگز)، hardly (به ندرت)، nobody (هیچ کس)، no one (هیچ کس)، nowhere (هیچ کجا)، little (مقدار کم ناکافی)، few (تعداد کم ناکافی)، nothing (هیچ چیز)، none (هیچ)، rarely (به ندرت)، neither (هیچ یک).

She hardly exercises, does she?

You have never played the piano, have you?

Nobody knew the answer, did they?

Test You have never visited Italy before,?

1) haven't you

2) have you

3) you haven't

4) you have

پاسخ گزینه ۲ از آنجایی که never یک واژه منفی‌ساز است، پس عبارت اصلی ما دارای بار منفی است، به همین دلیل tag question آن باید به شکل مثبت باشد. از طرف دیگر همان‌طور که از اسم tag question برمی‌آید باید به شکل سوالی بیان شود، در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح این سؤال است.

● در گام بعدی باید فعل اصلی جمله اول را مشخص کنیم.

هدف از انجام این کار آن است که بدانیم آیا برای ساخت tag question نیازی به فعل کمکی داریم یا خیر. بدین صورت که اگر فعل عبارت یکی از افعال اصلی و بدون افعال کمکی باشد، برای تبدیل آن‌ها به شکل سؤالی، باید متناسب با زمان عبارت و چندم‌شخص بودن فاعل، فعل کمکی متناسب با آن را برگزینیم؛ به طور مثال اگر زمان جمله حال یا گذشته ساده بود و فعل عبارت جزء افعال اصلی بود یکی از افعال کمکی do، does یا did را به کار می‌گیریم.

He likes music, doesn't he?

You speak English, don't you?

She left the meeting earlier, didn't she?

Test We saw Sara yesterday,?

1) do we

2) don't we

3) did we

4) didn't we

پاسخ گزینه ۴ ساختار عبارت مثبت است به همین دلیل tag آن منفی می‌شود، از طرف دیگر زمان جمله گذشته ساده است، در نتیجه برای سؤالی کردن آن از did استفاده می‌کنیم. بر همین اساس گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

در جملات ماضی نقلی یا جملاتی که فعل آن‌ها افعال to be هستند از همان فعل کمکی در tag question استفاده می‌کنیم.

She is a musician, isn't she?

You haven't brought my book, have you?

He can speak four languages, can't he?

نکته ۲۴ در صورتی که tag question منفی باشد، not حتماً باید به شکل مخفف (n't) آورده شود.

نکته ۲۵ tag question منفی باید به شکل مخفف بیاید اما در صورتی که فعل عبارت اصلی am باشد، به خاطر آن‌که am not شکل مخفف ندارد، هنگام نوشتن tag question از aren't استفاده می‌کنیم. (البته در شکل خیلی رسمی از «am I not?» هم می‌توان استفاده کرد.)

I am an artist, aren't I?

● در tag questionها همیشه از ضمیر استفاده می‌کنیم؛ یعنی اگر فاعل عبارت اصلی به شکل اسم بود حتماً باید تبدیل به ضمیر شود.

John can't speak English, can he?

Your children like to play in the yard, don't they?

نکته ۲۶ اگر فاعل عبارت یکی از ضمائر نامعین nobody, no one, nothing, somebody, someone, something, anybody, anyone, anything باشد، در tag question اگر ضمیر برای شیء باشد از it و اگر برای انسان باشد از they استفاده می‌کنیم.

Everybody liked the movie, didn't they?

Someone has borrowed my car, haven't they?

Everything is ok, isn't it?

Test No one knew the answer for sure,?

1) did no one

2) didn't no one

3) did they

4) didn't they

پاسخ گزینه ۳ زمان جمله گذشته ساده است و فاعل آن no one از طرف دیگر به واسطه آن‌که no one یک عبارت منفی‌ساز است، به همین دلیل گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

نکته ۲۷ اگر فاعل جمله there باشد، در tag question آن عبارت نیز از there استفاده می‌کنیم.

There are some Chinese students in your class, aren't there?

نکته ۲۸ اگر فاعل جمله this یا that باشد، از ضمیر it در tag question استفاده می‌کنیم و اگر فاعل جمله these یا those باشد در tag question از ضمیر they بهره می‌گیریم.

This is your house, isn't it?

These are your books, aren't they?

نکته ۲۹ اگر let's (بگذار، بیا) شروع‌کننده جمله‌ای باشد tag question آن «shall we?» خواهد بود.

Let's go out tonight, shall we?

در حالت دستوری و $won't$ you? برای دعوت کردن، به کار
 { will you?
 would you?
 can you?
 could you?
 tag question جملات امر (مثبت) و نهی (منفی) به صورت
 نکته ۸ برده می‌شود.

Call me tonight, will you?

Don't go there alone, will you?

نکته ۹ در جملات شرطی، tag question برای جمله نتیجه شرط (یعنی جمله بدون if) به کار برده می‌شود.

If you practice more, you will be successful, won't you?

نکته ۱۰ اگر هر یک از عبارات $I think that...$ $I believe that...$ $I've heard that...$ $I guess that...$ و یا شکل منفی آن‌ها در ابتدای جمله‌ای به کار برده شده باشد tag question آن براساس جمله‌ای که در ادامه آن‌ها می‌آید ساخته می‌شود.

I think that he won't call you, will he?

I don't believe that they haven't seen us, have they?

به طور خلاصه برای ساخت tag question ها به صورت زیر عمل می‌کنیم:

You know the answer,

۱ در انتهای جمله خبری و برگول می‌گذاریم.

You know the answer, do

۲ فعل کمکی متناسب با جمله خبری را بعد از برگول می‌نویسیم.

You know the answer, don't

۳ برای جملات مثبت، فعل کمکی منفی و برای جملات منفی، فعل کمکی مثبت به کار می‌بریم.

You know the answer, don't you

۴ فاعل جمله را به شکل ضمیر می‌نویسیم.

You know the answer, don't you?

۵ در انتها از علامت سؤال استفاده می‌کنیم.

تمرین حال برای دست‌گرمی برای جملات زیر tag question مناسب بنویسید.

- | | |
|--|--|
| 1. There are a lot of people waiting in the line,? | 2. Let's call him,? |
| 3. I am trying to answer your questions,? | 4. I heard that they are going to fire you,? |
| 5. He doesn't talk to you,? | 6. Help me move this box,? |
| 7. They have sold their house,? | 8. If I see him again, I will tell him the truth,? |
| 9. Nobody knows the answer,? | 10. Nikki plays the piano very well,? |

پاسخ

- | | | | |
|------------------|------------------|------------------|-----------------|
| 1. aren't there? | 2. shall we? | 3. aren't I? | 4. aren't they? |
| 5. does he? | 6. will you? | 7. haven't they? | 8. won't I? |
| 9. do they? | 10. doesn't she? | | |

سوالات تشریحی

۱ به کار بردن شکل صحیح افعال در جای خالی:
 شکل صحیح فعل داده شده را بنویسید.

● Write the correct form of the given verb.
 This house **was built** ten years ago. (build)

۲ نوشتن پرسش تأییدی مناسب:

● Write a tag question for each sentence.
 You can't speak Spanish, **can you**?
 His handwriting was terrible, **wasn't it**?

برای هر جمله یک پرسش تأییدی بنویسید.

۳ جواب‌دادن براساس دانش گرامری:

● Fill in the blanks with your own grammatical knowledge.
 This lesson **was taught** last week by our teacher.
 Everybody was happy, **weren't they**?

جاهای خالی را با دانش گرامری خود کامل کنید.

۴ مرتب کردن جملات به هم ریخته:

جمله درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

● Unscramble the following sentence.

glass / of / drunk / the / by / was / milk / the / kid / little /.

The glass of milk was drunk by the little kid.

۵ پاسخ دهی به سؤالات براساس تصاویر:

به تصویر نگاه کنید و به پرسش پاسخ دهید.

● Look at the picture and answer the question.

Where has your ball been lost?

My ball has been lost in the park.



۶ تبدیل جملات معلوم به مجهول:

جمله زیر را به مجهول تبدیل کنید.

● Change the following sentence into the passive form.

Fire destroyed the building.

The building was destroyed by fire.

۷ نوشتن سؤال مناسب:

برای پاسخ زیر سؤال مناسب بنویسید.

● Write appropriate question for the following answer.

Who has been caught by the police?

The thief has been caught by the police.



بخش سوم: Writing

جملات مرکب (Compound Sentences)

حتماً برای شما هم پیش آمده که موقع صحبت کردن با یک نفر خدا خدا بکنید که زودتر حرفش را تمام کند، اما به محض این که حس می کنید به آخرای جمله اش رسیده ناگهان می گوید «ولی ... بنابراین ... یا ... و ...» و دوباره روز از نو و روزی از نو ... به این کلمات، حروف ربط گفته می شود و کار آن ها ربط دادن دو جمله مستقل به یکدیگر است. جمله ای را که در اثر پیوند دو جمله به وجود می آید جمله مرکب می نامیم. در سال یازدهم با جملات ساده آشنایی پیدا کردید. جمله ساده جمله ای است که حداقل یک فاعل و تنها یک فعل اصلی داشته باشد.

She plays.

او بازی می کند.

I play the piano.

من پیانو می نوازم.

جمله ای که بیش از یک فاعل یا یک فعل اصلی دارد، جمله مرکب است. در این جملات، دو جمله ساده با یکی از حروف ربط and (و)، or (یا)، but (ولی) و یا so (بنابراین) به هم وصل می شوند. باید دقت کنید که قبل از این حروف از ویرگول استفاده کنید.

من به کافی شاپ رفتم و یک فنجان قهوه سفارش دادم.
 I went out to a coffee shop, and I ordered a cup of coffee.
 فاعل اول: I, فعل اول: went, حرف ربط: and, فعل دوم: ordered, فاعل دوم: I

حروف ربط هم پایه ساز و کاربرد آن ها

این حروف که عبارت اند از and, or, so, برای پیوند دادن یک جمله به جمله دیگر به کار برده می شوند.

You can watch TV, or you can play in the yard.

نکته در صورتی که فاعل دو عبارت و فعل کمکی (در صورت وجود) یکسان باشند، از جمله دوم حذف به قرینه لفظی می شوند.

باید به این نکته توجه داشته باشید در صورت حذف فاعل در عبارت دوم ویرگول قبل از حرف ربط نیز حذف می شود.

You can watch TV or play in the yard.



نگاهی به برخی از حروف ربط هم‌پایه‌ساز و کاربرد آن‌ها:

and:

«من هر شب ساعت ۹:۳۰ مسواک می‌زنم و ساعت ۱۰ به رخت‌خواب می‌روم.»

جمله فوق از ترکیب دو جمله به وجود آمده است:

۱- من هر شب ساعت ۹:۳۰ مسواک می‌زنم.

۲- من ساعت ۱۰ به رخت‌خواب می‌روم.

برای اتصال این دو جمله به یکدیگر از حرف ربط «و» استفاده می‌کنیم که معادل انگلیسی آن and است. از این حرف ربط برای افزودن احساسات، مطالب جدید و فعالیت‌های مشابه به یکدیگر استفاده می‌کنیم. یادمان باشد که ویرگول قبل از حرف ربط را فراموش نکنیم.

I brush my teeth at 9:30 every night.

+

⇒ I brush my teeth at 9:30, and I go to bed at 10 o'clock every night.

I go to bed at 10 o'clock.

but:

«خیلی عصبانی بودم ولی چیزی به او نگفتم.»

همان‌طور که در این مثال مشاهده می‌کنید گوینده قصد بیان مطالبی را دارد که با هم در تضاد هستند.

۱- من خیلی عصبانی بودم.

۲- من چیزی به او نگفتم.

برای انجام این کار در زبان فارسی از «ولی» یا «اما» استفاده می‌کنیم. معادل این کلمات در زبان انگلیسی حرف ربط but است. به کمک این حرف ربط، ما تضاد یا تفاوت را در جملات به نمایش می‌گذاریم. حتماً به خاطر داشته باشید که از ویرگول پیش از این حرف ربط استفاده کنید.

I was so angry.

+

⇒ I was so angry, but I didn't tell him anything.

I didn't tell him anything.

or:

«می‌خواهی درس بخوانی یا وارد بازار کار شوی؟»

زمانی که حرف بر سر گزینه‌ها و انتخاب کردن است، اولین گزینه پیش روی ما، حرف ربط «یا» است که معادل انگلیسی آن or می‌شود. این حرف ربط در ابتدای جمله دوم به کار برده می‌شود. همان‌طور که گفته شد این حرف ربط گزینه‌های پیش رویش را بررسی می‌کند.

You want to study.

+

⇒ You want to study, or you want to enter the market.

You want to enter the market.

so:

«فرانسه در جام جهانی خیلی خوب بازی کرد، در نتیجه آن‌ها برنده جام جهانی ۲۰۱۸ شدند.»

برای نتیجه‌گیری از آن‌چه که گفته می‌شود از حرف ربط so که به معنای «در نتیجه» یا «بنابراین» است استفاده می‌کنیم.

زمانی که فردی که به سختی تلاش می‌کند اغلب موفق به کسب نتیجه تلاش خود می‌شود، به همین دلیل دو جمله زیر را می‌توان به کمک حرف ربط نتیجه‌گیری با هم ترکیب کرد.

۲- فرانسه برنده جام جهانی ۲۰۱۸ شد.

۱- فرانسه در جام جهانی خیلی خوب بازی کرد.

France played very well in the World Cup.

+

⇒ France played very well in the world cup, so they won the World Cup 2018.

France won the World Cup 2018.

Test Tom wants to lose weight, he quit eating rice last week.

1) so

2) but

3) or

4) and

جمله دوم نتیجه‌ی است که در پی جمله اول به دست آمده، به همین دلیل گزینه (۱) که حرف ربط مرتبط با نتیجه‌گیری است پاسخ صحیح است.

پاسخ گزینه ۱

«تام قصد دارد وزن کم کند، بنابراین هفته گذشته برنج خوردن را کنار گذاشت.»

Test We are going to walk in the mountains play football.

1) because

2) so

3) but

4) or

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید جمله فوق انتخاب بین دو گزینه را مطرح می‌کند، به همین واسطه گزینه (۴) را به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌کنیم.

پاسخ گزینه ۴

«ما قصد داریم که به پیاده‌روی در کوه برویم یا این که فوتبال بازی کنیم.»

سوالات تشریحی

۱ نوشتن حروف ربط مناسب:

- Complete the following sentences with “or”, “and”, “but” or “so”.

جملات زیر را با and, but, or یا so کامل کنید.

I didn't have enough time, **so** I couldn't visit the museum.

He lost his money **and** all the document inside it.

۲ ترکیب کردن جملات:

- Combine the two sentences with “and”, “but”, “or” or “so”.

دو جمله را به وسیله and, but, or یا so ترکیب کنید.

She has a lot of money. She never uses it.

She has a lot of money, **but** she never uses it.



واژگان

A.D. (Anno Domini)	29 ¹	بعد از میلاد مسیح	cancer (n.)	29	سرطان
abroad (adv.)	19	در خارج، به خارج	care for (v.)	25	مراقب ... بودن، اهمیت دادن، مراقبت کردن از
accidentally (adv.)	30	تصادفاً، اتفاقی	carry (v.)	10w	حمل کردن
again and again	24	بارها، به کرات	catch (v.)	19	گرفتن (بیماری)، مبتلا شدن
along with (prep.)	25	همراه با	chess (n.)	33	شطرنج
aloud (adv.)	24	با صدای بلند	childhood (n.)	29	کودکی
antonym (n.)	13w ²	متضاد	choice (n.)	36	انتخاب
appreciate (v.)	14w	قدردانی کردن از، تقدیر کردن از	Christ (n.)	29	مسیح، عیسی مسیح
appreciation (n.)	15	قدردانی، تقدیر	circle (v.)	39	دور چیزی خط کشیدن
appropriate (adj.)	17	مناسب	classmate (n.)	28	هم کلاسی
at all (adv.)	24	اصلاً	close (adj.)	19	صمیمی، نزدیک
at least (adv.)	26	حداقل	collection (n.)	29	مجموعه
attempt (n.)	15w	تلاش	collocation (n.)	27	[کلمات] هم آیند، (زبان شناسی) هم نشینی
attend (v.)	23w	شرکت کردن در	column (n.)	28	ستون
author (n.)	29	نویسنده	combination (n.)	27	ترکیب
based on	41	براساس، مبتنی بر	combine (v.)	37	ترکیب کردن
be born (v.)	29	به دنیا آمدن، متولد شدن	comfortable (adj.)	37	راحت
behavior (n.)	17	رفتار	common (adj.)	25	رایج
be proud of	41	افتخار کردن به	compound (adj.) , (n.)	34	مرکب، (جمله) مرکب، ترکیب
belonging (n.)	41	تعلق، وابستگی	comprehension (n.)	25	درک مطلب
be remembered for	29	به خاطر چیزی معروف بودن	condition (n.)	32	شرایط، وضعیت
birth (n.)	29	تولد	confirm (v.)	32	تأیید کردن
blessing (n.)	41	رحمت، برکت، نعمت	connect (v.)	34	مرتبط کردن
blood (n.)	15	خون	contrast (n.)	35	تضاد
boost (v.)	15	افزایش دادن، تقویت کردن، زیاد کردن	conversation (n.)	19	مکالمه
bring (v.)	41	آوردن	countless (adj.)	29	بی شمار
bring up (phr.v.)	41	بزرگ کردن (کودک)، بار آوردن	cousin (n.)	15w	فرزند خاله/دایی/عمو/عمه
burst (v.)	23	ترکیدن، منفجر شدن	create (v.)	30	خلق کردن
burst into tears	23	زیر گریه زدن	creation (n.)	5w	خلقت
busy (adj.)	33	مشغول	cruel (adj.)	18	بی رحم
butter (n.)	18w	کره	culture (n.)	41	فرهنگ
by heart (adv.)	29	از حفظ	cure (v.)	20	درمان کردن
by the way (adv.)	20	در ضمن، راستی	dedicated (adj.)	19	متعهد، پایبند
cage (n.)	19w	قفس	description (n.)	25	توضیح
calmly (adv.)	23	با خونسردی، به آرامی			

deserve (v.)	10w	شایستگی داشتن، سزاوار چیزی بودن	gazelle (n.)	17w	غزال
develop (v.)	30	تولید کردن، توسعه دادن	generate (v.)	26	تولید کردن
diary (n.)	23	دفتر خاطرات (روزانه)	generation (n.)	41	تولید، نسل
difference (n.)	35	تفاوت	generous (adj.)	19	دست و دل باز، بخشنده
diploma (n.)	19	دیپلم، مدرک تحصیلی	grandchild (n.)	15	نوه
discover (v.)	29	کشف کردن	grateful (adj.)	14w	سپاس گزار
disease (n.)	20	بیماری	grow (v.)	16w	پرورش دادن، رشد کردن، شدن
dishwasher (n.)	30	ماشین ظرف شویی	guideline (n.)	41	دستورالعمل، توصیه
distinguished (adj.)	19	متمایز، معروف، برجسته	handle (v.)	16w	رسیدگی کردن، از عهده کاری برآمدن
doer (n.)	30	انجام دهنده، کننده	happen (v.)	23	رخ دادن
donate (v.)	17	هدا کردن، بخشیدن	(be) hard of hearing (adj.)	24	گوش (کسی) سنگین (بودن)
duty (n.)	10w	وظیفه	hate (v.)	38	نفرت داشتن
education (n.)	29	تحصیلات	health (n.)	32	سلامتی
either ... or... (conj.)	41	یا ... یا ...	heaven (n.)	5w	بهشت
elderly (adj.)	15	بزرگسال، مسن، سالخورده	hence (adv.)	10w	[از حالا] بعد، از این رو، بنابراین
elder (n.)	41	بزرگ تر	heritage (n.)	41	میراث
elicit (v.)	32	استخراج کردن	hometown (n.)	19	میهن، زادگاه
emotion (n.)	29	احساس	homework (n.)	21	تکلیف
end (v.)	15w	به پایان رسیدن	hopefully (adv.)	41	به نحو امیدوارکننده‌ای
end in (phr.v.)	15w	ختم شدن به، منجر شدن به	housewife (n.)	30	خانم خانه دار
enjoyable (adj.)	35	لذت بخش، دلپذیر، خوشایند	hug (v.)	22	بغل کردن، در آغوش گرفتن
ethics (n.)	29	اخلاقیات، اصول اخلاقی	identity (n.)	41	هویت
experience (n.)	10w	تجربه	importantly (adv.)	41	مهم این که، اساساً
experiment (n.)	30	آزمایش	improve (v.)	15	بهبودبخشیدن، ارتقا دادن
failure (n.)	10w	شکست	including (prep.)	29	از جمله، شامل
famous (adj.)	18	مشهور	increase (v.)	15	افزایش دادن
fast food (n.)	27	غذای سریع، فست فود	inform (v.)	18w	اطلاع دادن به
feed (v.)	21	غذا دادن به	inspiration (n.)	29	الهام
feel honored	10w	افتخار کردن	install (v.)	38	نصب کردن، کار گذاشتن
fix (v.)	29	تعمیر کردن	interesting (adj.)	15	جالب
flu (n.)	19	آنفلوآنزا	interestingly (adv.)	30	به طور جالبی، جالب است که
for instance (adv.)	30	برای مثال	invent (v.)	30	اختراع کردن
forgive (v.)	23	بخشیدن	inventor (n.)	30	مخترع
found (v.)	19	تأسیس کردن	keep (v.)	24	ادامه دادن، ماندن
fridge (n.)	18w	یخچال	kindly (adv.)	24	با مهربانی، با محبت
function (n.)	15	عملکرد	kindness (n.)	15	مهربانی
future (n.)	33	آینده			



kiss (v.)	24	بوسیدن	physician (n.)	19	پزشک
lack (n.)	14w	کمبود، فقدان	pigeon (n.)	21	کبوتر
lap (n.)	22	روی پا (قسمت بالای ران)	pink (adj.)	35	صورتی
lazy (adj.)	18	تنبل	pity (n.)	20	تأسف
learn by heart	29	حفظ کردن	poem (n.)	29	شعر
light bulb (n.)	30	لامپ	poet (n.)	29	شاعر
location (n.)	25	مکان، محل، موقعیت	poetry (n.)	29	شعر
loving (adj.)	18	مهربان، بامحبت	point (n.)	41	نکته
lovingly (adv.)	24	با مهربانی	politely (adv.)	23	مؤدبانانه
lower (v.)	15	پایین آوردن، کم شدن	positive (adj.)	18	مثبت
main (adj.)	25	اصلی	pressure (n.)	15	فشار
matter (n.)	10w	مسئله، مشکل	principle (n.)	41	اصل، اصول اخلاقی (در حالت جمع)
meaningful (adj.)	25	معنادار	process (n.)	25	فرایند
medical (adj.)	19	پزشکی	product (n.)	30	محصول
medicine (n.)	19	دارو	project (n.)	15w	پروژه
memory (n.)	15	حافظه	pronoun (n.)	37	ضمیر
mention (v.)	30	اشاره کردن	protect (v.)	41	حفاظت کردن از
microwave (n.)	30	مایکروویو	proud (adj.)	41	مفتخر، مغرور
might (modal v.)	20	ممکن بودن (گذشته may)	provide (v.)	25	فراهم کردن، تهیه کردن
mistake (n.)	30	اشتباه	quantity (n.)	25	کمیت، مقدار
moral (n.)	41	اصول اخلاقی، درس اخلاق	quick meal (n.)	27	غذای سریع، فست فود
more interestingly (adv.)	30	جالب تر این که	quiet (adj.)	23	ساکت
mostly (adv.)	29	عمدتاً، غالباً	quietly (adv.)	24	به آرامی
native (adj.)	27	بومی	quite (adv.)	30	کاملاً
no matter	10w	مهم نیست که	rarely (adv.)	37	به ندرت
normal (adj.)	27	عادی	reason (n.)	25	دلیل
not surprisingly (adv.)	19	عجیب نیست که	receive (v.)	29	دریافت کردن، به دست آوردن
note (v.)	37	ذکر کردن، خاطرنشان کردن	record (v.)	23	یادداشت کردن، نوشتن، ضبط کردن
on the other hand (adv.)	27	از طرف دیگر	refer to (v.)	26	اشاره کردن به
once (adv.)	25	زمانی، یک بار، یک وقتی	regard (v.) , (n.)	41	تلفی کردن، نگرستن، توجه، ملاحظه
ordinary (adj.)	30	عادی، معمولی	regarding (prep.)	41	راجع به، درباره
oven (n.)	30	فر (اجاق گاز)	religious (adj.)	29	مذهبی، دینی
parrot (n.)	19w	طوطی	remember (v.)	29	به خاطر سپردن
passage (n.)	26	متن	repeatedly (adv.)	23	مکرراً، بارها، به کرات
passive (adj.)	29	مجهول (دستور زبان)	replace (v.)	37	جایگزین کردن
pause (v.)	24	مکث کردن	reply (v.)	24	پاسخ دادن
peaceful (adj.)	41	آرام، ساکت	respect (v.)	17	احترام گذاشتن
penicillin (n.)	29	پنی سیلین	responsibility (n.)	41	مسئولیت

result (n.)	36	نتیجه	take a rest (v.)	37	استراحت کردن
robber (n.)	19w	دزد	take care of (v.)	17	مراقبت کردن از
role (n.)	41	نقش	tear (n.)	23	اشک
rule (n.)	41	قانون	teenager (n.)	15	نوجوان
scientist (n.)	29	دانشمند	temperature (n.)	19	درجه حرارت، دما، تب
score (n.)	23	نمره، امتیاز	tense (n.)	41	زمان
second (adj.) , (n.)	24	دوم، دومین، ثانیه	terrible (adj.)	19	وحشتناک، خیلی بد، افتضاح
select (v.)	17	انتخاب کردن	thought (n.)	23	تفکر، فکر
sense (n.)	41	حس، احساس	through (prep.)	18	از میان
serious (adj.)	32	جدی	thus (adv.)	10w	بنابراین، در نتیجه
share (v.)	10w	تقسیم کردن، شریک بودن	title (n.)	49	عنوان
shout (v.)	21	فریاد زدن	tool (n.)	30	وسيله، ابزار
signal (v.)	32	نشان دادن، علامت دادن	translate (v.)	29	ترجمه کردن
similar (adj.)	34	شبيهه	uncertainty (n.)	32	عدم اطمینان، ابهام
smart (adj.)	30	باهوش، هوشمند	unconditionally (adv.)	10w	بدون قید و شرط
society (n.)	14w	جامعه	underline (v.)	39	خط کشیدن زیر
sofa (n.)	21	کاناپه	unnatural (adj.)	27	غیرطبیعی، ساختگی
solution (n.)	29	راه حل، جواب، پاسخ	unreal (adj.)	13w	غیرواقعی
sound (v.)	27	به نظر رسیدن	value (n.)	41	ارزش
spare (v.)	19	دریغ کردن، مضایقه کردن	variation (n.)	5w	تنوع
spare no pains to do sth.	19	از هیچ کاری مضایقه نکردن	vase (n.)	23	گلدان
special (adj.)	29	خاص	verily (adv.)	5w	به راستی
starter (n.)	25	آغاز کننده	wear (v.)	35	پوشیدن
steal (v.)	19w	سرقت کردن، دزدیدن	weather (n.)	33	آب و هوا
strategy (n.)	25	استراتژی	weave (v.)	31	بافتن
strength (n.)	15	قدرت، قوت، نیرو	what's wrong with s.o.	32	مشکلش چیست؟ چشه؟
strong wind	27	باد شدید	whereby (adv.)	25	به موجب آن
successfully (adv.)	31	با موفقیت	while (n.) , (conj.)	19	مدت، وقت، وقتی که، در حالی که
suddenly (adv.)	23	ناگهان	willing (adj.)	41	علاقه مند
suitable (adj.)	37	مناسب	within (prep.)	14w	در داخل، در
surprisingly (adv.)	19	به طرز شگفت آوری	wonderful (adj.)	35	فوق العاده
tablet (n.)	30	تبلت	worthy (adj.)	14w	شایسته، سزاوار، لایق
tag question	31	سؤال ضمیمه‌ای	yet (adv.) , (conj.)	49	هنوز، باز

هم آیندها (Collocations)

خیلی مواقع پیش می‌آید که هنگام صحبت کردن، دو یا چند واژه را با یکدیگر به کار می‌گیریم، مثلاً: در و دیوار، در و پنجره، خانه و کاشانه، آب و هوا، زمین خوردن، راه رفتن، انتظار کشیدن و ... به این ترکیبات هم‌آیند گفته می‌شود. این که چرا این کلمات با هم به کار برده می‌شوند را، حداقل ما به عنوان افراد عادی، نمی‌دانیم اما این را می‌دانیم که نمی‌توان این ترکیبات را به گونه دیگری به کار برد. مثلاً نمی‌توانیم بگوییم دیوار و پنجره، منزل و کاشانه یا باد و هوا. این ترکیبات یکی از معیارهایی است که به واسطه آنها می‌توان یک فرد بومی را از غیربومی تشخیص داد.



همان‌گونه که در زبان فارسی این شکل از ترکیبات وجود دارد، در زبان انگلیسی نیز این ترکیبات به کار برده می‌شوند و به آن‌ها collocation گفته می‌شود.

fast food, strong wind, heavy rain, make a mistake, etc.

مثال

همانند زبان فارسی، نمی‌توان این ترکیبات را با کلمات دیگر، حتی مترادف آن‌ها، جایگزین کرد. به طور مثال، مترادف fast واژه quick است ولی این بدان معنا نیست که می‌توانیم به جای عبارت fast food از quick food استفاده کنیم و امکان ندارد که شما از زبان یک انگلیسی‌زبان چنین عبارتی را بشنوید.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، برای به‌کارگیری این کلمات، قانونی وجود ندارد و تنها از طریق تمرین است که می‌توانیم آن‌ها را به خاطر بسپاریم. • برخی از collocation‌های رایج، که در کتاب درسی نیز به بعضی از آن‌ها اشاره شده، عبارت‌اند از:

fast food غذای آماده	quick meal غذای سریع (حاضری)	strong wind باد شدید	heavy rain باران شدید
high temperature دمای بالا	do exercise ورزش کردن	read a newspaper روزنامه‌خواندن	sit on a sofa روی کاناپه نشستن
hard of hearing سنگینی گوش	feel no pains احساس درد نداشتن	go abroad خارج‌رفتن	spare no pains از هیچ کاری مضایقه‌نکردن
feel well حال خوب داشتن	by the way به هر حال	burst into tears زیر گریه زدن	do homework تکلیف انجام‌دادن
do experiment آزمایش کردن	do research تحقیق کردن	do your best همه تلاش خود را کردن	make a decision تصمیم‌گرفتن
make money پول درآوردن	make friends دوست‌شدن	make a promise قول‌دادن	make a mistake اشتباه کردن
make a phone call تلفن‌زدن	make dinner شام‌پختن	take a look نگاه‌انداختن	take a test امتحان‌دادن
take a break استراحت کردن	take a taxi تاکسی‌گرفتن	take a risk خطر کردن	take a photo عکس گرفتن

Test We couldn't go out, because of the heavy

- 1) wind 2) weather 3) rain 4) storm

همان‌طور که مشاهده می‌کنید پیش از جای خالی واژه heavy آمده و در بین گزینه‌ها تنها با واژه rain هم‌نشین است و با دیگر گزینه‌ها به کار برده نمی‌شود؛ در نتیجه گزینه (۳) صحیح است.
«نتوانستیم به دلیل باران شدید بیرون برویم.»

پاسخ گزینه ۳

Test My mother doesn't let us play outside if we don't solve our

- 1) questions 2) exercises 3) problems 4) homework

«اگر مسئله‌ها منو حل نکنیم مادر اجازه نمی‌دهد که بیرون بازی کنیم.»
دو واژه solve و problems هم‌آیند یکدیگر هستند؛ در نتیجه پاسخ صحیح گزینه (۳) است. هم‌آیند مابقی گزینه‌ها عبارت‌اند از:

پاسخ گزینه ۳

- 1) answer questions 2) do exercises 4) do homework

نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات درک متن

روش تولید سؤال (Question Generation)

حتماً شده وقتی که توی روزنامه در مورد فواید خوردن مواد فیبردار، متنی را می‌خواندید از خودتان پرسیدید که اگر فیبر نخوریم چه اتفاقی می‌افتد یا پیش آمده هر وقت در حین خواندن متنی حواستان پرت شده، برگشتید و دوباره متن را از اول خوانده‌اید. این کاری که ما ناخودآگاه انجام می‌دهیم یک استراتژی مهم در تمرین مهارت reading به حساب می‌آید که به آن question generation گفته می‌شود. زمانی که هنگام خواندن متن، از خود سؤالاتی می‌پرسیم و خودمان به آن سؤال‌ها پاسخ می‌دهیم، مثلاً «ایده اصلی متن چیست؟»، «منظور نویسنده چیست؟» و دیگر سؤالات این‌چنینی، در حقیقت به تقویت مهارت درک مطلب و تمرکز خود کمک کرده‌ایم. question generation در حقیقت پرسیدن سؤالاتی از قبیل:

- 1 What is the main idea of the text?
- 2 What is the writer trying to say?
- 3 What is the author's purpose for writing?

در حین خواندن متن است، تا شما را در مسیر اصلی خط داستانی متن نگه دارد.

چرا question generation مهم است؟

- باعث تقویت قدرت تفکر و فهم دانش‌آموز می‌شود، به عبارت دیگر دانش‌آموز متن را بهتر درک می‌کند.
- دانش‌آموز را با خط‌به‌خط متن درگیر نگه می‌دارد.
- باعث می‌شود آگاهی دانش‌آموز نسبت به این‌که آیا مطلب را به درستی درک می‌کند یا خیر، افزایش یابد.
- باعث می‌شود دانش‌آموز نکات مهم متن در یادش بماند.
- محرک کنجکاوی دانش‌آموز می‌شود.

چگونه question generation بسازیم؟

- 1 خواندن متن
- 2 یافتن نکات و قسمت‌های مهم متن
- 3 برگرداندن قسمت‌های مهم و نکات به شکل سؤال
- 4 پاسخ‌دادن به سؤال

Who, What, Where, When, Why, How, ...

نکته این کلمات پرسشی برای ساخت سؤال به ما کمک می‌کنند:

Student Book

Reading Comprehension

Respect Your Parents

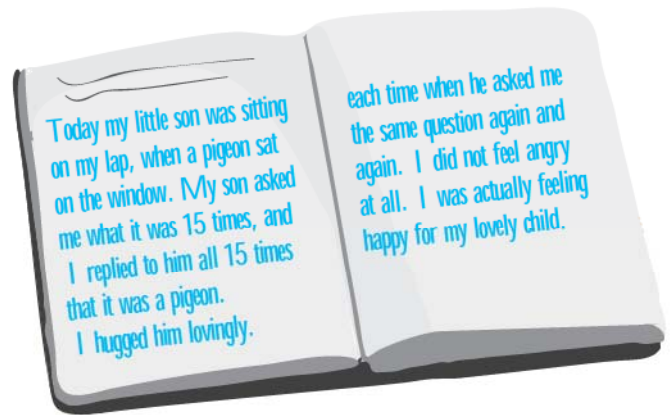
صفحة ۲۴

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, It's a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

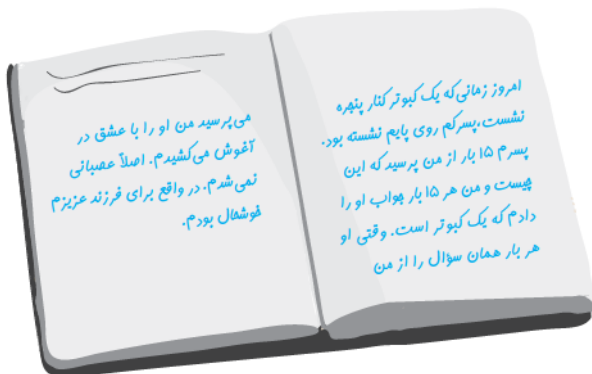


به پدر و مادر خود احترام بگذارید

در یک صبح بهاری، خانم مسنی در خانه‌اش بر روی کاناپه‌ای نشسته بود. پسر جوانش مشغول روزنامه‌خواندن بود. ناگهان کبوتری کنار پنجره نشست.

مادر به آرامی از پسرش پرسید، «این چیه؟» پسرش پاسخ داد: «یک کبوتره.» بعد از چند دقیقه، برای بار دوم از پسرش پرسید: «این چیه؟» پسرش گفت: «مامان، همین الان بهت گفتم، این یک کبوتره، کبوتر.» بعد از مدت کوتاهی، مادر پیر برای سومین بار از پسرش پرسید: «این چیه؟» این دفعه پسر بر سر مادر فریاد کشید: «چرا یک سؤال رو هی می‌پرسی؟ گوشت سنگینه؟»

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات قدیمی برگشت. او گفت: «پسر عزیزم، من این دفترچه خاطرات را زمانی که تو به دنیا آمدی خریدم.» سپس، صفحه‌ای را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند. پسر نگاهی به صفحه انداخت، مکث کرد و با صدای بلند شروع به خواندن آن کرد:



ناگهان پسر زد زیر گریه، مادر پیرش را در آغوش کشید و پشت سر هم می‌گفت: «مامان، مامان، منو ببخش؛ لطفاً منو ببخش.» خانم مسن پسرش را بغل کرد، او را بوسید و به آرامی گفت: «ما باید مراقب کسانی که روزی مراقب ما بودند باشیم. همه ما می‌دانیم که پدر و مادرها برای هر چیز کوچکی چه قدر از فرزندان‌شان مراقبت می‌کردند. بچه‌ها باید عاشق آن‌ها باشند، به آن‌ها احترام بگذارند، و از آن‌ها مراقبت کنند.»

C Read the 'Reading'. Find what these words refer to.

صفحه ۲۶

متن را بخوانید. پیدا کنید که این کلمات به چه چیزی ارجاع داده می‌شوند.

- her (paragraph 1, line 2): **the old woman**
 his (paragraph 2, line 5): **the son**
 you (paragraph 3, line 2): **the son**
 me (paragraph 4, line 5): **the old woman**
 them (paragraph 5, line 6): **parents**

● شماره خطوط براساس کتاب درسی است.

•Vocabulary

A Without looking back at the conversation, make collocation by matching the words on the left with the ones on the right column.

صفحه ۲۸

بدون نگاه کردن به مکالمه، با جفت کردن کلمات سمت چپ با ستون سمت راست هم‌آیند بسازید.

- | | | |
|---------------|------------------|-------------------------|
| 1. feel | go abroad | خارج رفتن |
| 2. take | feel well | احساس خوبی داشتن |
| 3. go | not surprisingly | تعجبی ندارد که |
| 4. spare | take temperature | اندازه‌گیری تب (دما) |
| 5. not | by the way | راستی |
| 6. by | spare no pains | از هیچ تلاشی دریغ نکردن |
| 7. burst into | burst into tears | زیر گریه زدن |

•Writing

A Complete the following sentences with "and" or "but".

صفحه ۳۵

جملات زیر را با and یا but کامل کنید.

1. We went to the park yesterday, **and** we had a wonderful time. ۱- ما دیروز به پارک رفتیم، و اوقات خوشی داشتیم.
2. Behnam's family went to the zoo last week, **but** they did not enjoy it. ۲- خانواده بهنام هفته گذشته به پارک رفتند، ولی از آن لذت نبردند.
3. Susan has a pink dress, **but** she never wears it. ۳- سوزان یک لباس صورتی دارد، ولی هیچ‌وقت آن را نمی‌پوشد.
4. Kate saw Sofia, **but** she didn't speak to her. ۴- کیت سوفیا را دید، ولی با او صحبت نکرد.
5. My English class is really enjoyable, **but** I have a lot of homework. ۵- کلاس انگلیسی من واقعاً لذت‌بخش است، ولی تکالیف زیادی دارم.

B Complete the following sentences with "or" or "so".

صفحه ۳۷

جملات زیر را با or یا so کامل کنید.

1. My mother doesn't like fast food, **so** she doesn't eat any. ۱- مادر من فست‌فود دوست ندارد، بنابراین اصلاً نمی‌خورد.
2. I go out tonight, **or** I take a rest. ۲- امشب می‌روم بیرون، یا استراحت می‌کنم.
3. We can eat our lunch at the restaurant, **or** we can have it at home. ۳- می‌توانیم ناهار خود را در رستوران بخوریم، یا می‌توانیم آن را در خانه بخوریم.
4. That dictionary is expensive, **so** I can't buy it. ۴- آن فرهنگ لغت گران است، بنابراین نمی‌توانم آن را بخرم.
5. This dress is not comfortable, **so** she rarely wears it. ۵- این لباس راحت نیست، به همین دلیل او به ندرت آن را می‌پوشد.

C Combine the two sentences with 'and', 'but', "or" or "so".

صفحه ۳۸

دو جمله را به وسیله and, but, or یا so ترکیب کنید.

1. Joseph is very busy today. He cannot watch TV. ۱- جوزف امروز خیلی گرفتار است، بنابراین نمی‌تواند تلویزیون ببیند.
 Joseph is very busy today, so he cannot watch TV.
- ۱- پاسخ تمرین‌ها رنگی نوشته شده است.



2. My brother has a lot of books. He never reads them.

My brother has a lot of books, but he never reads them.

۲- برادر من کلی کتاب دارد، ولی هیچوقت آن‌ها را نمی‌خواند.

3. We should do a lot of homework. We don't have enough time.

We should do a lot of homework, but we don't have enough time.

۳- ما باید کلی تکلیف انجام دهیم، ولی زمان کافی نداریم.

4. Sepideh likes spaghetti. Her grandmother hates spaghetti.

Sepideh like spaghetti, but her grandmother hates spaghetti.

۴- سپیده اسپاگتی دوست دارد، ولی مادربزرگ او از اسپاگتی متنفر است.

5. You can buy this coat. You can buy those shoes.

You can buy this coat, or you can buy those shoes.

۵- می‌توانی این کاپشن را بخری، یا می‌توانی آن کفش‌ها را بخری.

Workbook

Part I (Reading Comprehension)

صفحة ۱۰

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally. They feel honored when we appreciate their love and respect them. So it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.

برای ما بسیار مهم است که به بزرگ‌ترهای خود احترام بگذاریم. هم‌چنین مهم است توجه داشته باشیم که آن‌ها مسن به دنیا نیامده‌اند، آن‌ها هم مثل ما بچه بوده‌اند و حال پا به سن گذاشته‌اند. چند سال دیگر ما هم سنمان بالا خواهد رفت. اگر ما امروز به آن‌ها احترام بگذاریم، نسل‌های فعلی و آینده ما این ارزش‌ها را منتقل خواهند کرد و یاد خواهند گرفت که به همان شکل، زمانی که ما سنمان بالا رفت به ما احترام بگذارند. افراد مسن چیزهای زیادی برای درمیان گذاشتن با ما دارند: تجارب زندگی‌شان، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و خیلی چیزهای دیگر. بنابراین ما باید از آن‌ها مراقبت کنیم به خاطر آن که آن‌ها لایق مراقبت هستند. احترام و مراقبت از بزرگ‌ترها از پدر و مادرانمان که اولین معلم ما در زندگی بودند آغاز می‌شود. مهم نیست که ما چه شغلی داریم، چه کسی هستیم، و کجا زندگی می‌کنیم، ما باید عاشق آن‌ها باشیم همان‌طور که آن‌ها بی‌قیدوشرط عاشق ما هستند. آن‌ها به ما افتخار می‌کنند زمانی که ما قدردان عشقشان باشیم و به آن‌ها احترام بگذاریم. پس وظیفه ماست که وقتی به ما نیاز دارند به کمک آن‌ها بشتابیم به خاطر آن که آن‌ها به اندازه کافی جوان نیستند که مانند گذشته به تنهایی از پس کارها بریبایند.

B Find what the underlined pronouns refer to.

صفحة ۱۲

پیدا کنید ضمایری که زیر آن‌ها خط کشیده شده است به چه چیزی ارجاع داده می‌شود.

Paragraph 1: elders

Paragraph 2: parents

Paragraph 3: parents

C Skim the text and suggest a title for it.

صفحة ۱۳

Respect and Care for Elders.

متن را به صورت روزنامه‌وار بخوانید و برای آن یک عنوان پیشنهاد دهید.

Part II (Vocabulary)

A Read the 'text' and find antonyms for the following words.

صفحة ۱۳

متن را بخوانید و متضاد کلمات زیر را پیدا کنید.

1. past \neq future

2. unreal \neq unconditional

3. hate \neq love

4. finish \neq start

B Match the definitions with the words.

صفحه ۱۴

- | | | |
|--|-----------------------------|---|
| 1. all the people of about the same age within a society (a) | a) generation (نسل) | ۱- تمام افراد جامعه که در یک رده سنی هستند. |
| 2. a lack of success in doing something (c) | b) deserve (سزاوار بودن) | ۲- عدم موفقیت در انجام کاری |
| 3. to be grateful for (d) | c) failure (شکست) | ۳- قدردان بودن برای |
| 4. to be worthy (b) | d) appreciate (قدردان بودن) | ۴- لایق چیزی بودن |

C Fill in the blanks with the given words. Make the necessary changes.

صفحه ۱۵

جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. تغییرات ضروری را (بر روی واژگان) اعمال کنید.

respect - unconditionally - later - share - failure

1. Parnia never **shares** her toys with her cousins. ۱- پرنیا هیچوقت اسباب بازی هایش را با بچه های فامیل تقسیم نمی کند.
2. Students show their **respect** for the teacher by not talking. ۲- دانش آموزان با صحبت نکردن، احترام خود را به معلمانشان نشان می دهند.
3. Their first attempt to climb Sabalan ended in **failure**. ۳- اولین تلاش آن ها برای صعود به سبلان با شکست روبه رو شد.
4. The project will be completed two weeks **later**. ۴- پروژه دو هفته بعد تکمیل خواهد شد.

D Complete the following verbs with a noun or an adjective.

صفحه ۱۶

- grow old پیر شدن
- feel honored مفتخر بودن (احساس غرور داشتن)
- handle things رسیدگی به امور
- care for someone برای کسی اهمیت قائل شدن

Part III (Grammar)

A Make active and passive sentences.

صفحه ۱۷

1. hunter / the cruel / the gazelle / killed
 Active: The cruel hunter killed the gazelle.
 Passive: The gazelle was killed by the cruel hunter.
 جملات معلوم و مجهول درست کنید.
 شکارچی بی رحم غزال را کشت.
 غزال توسط شکارچی بی رحم کشته شد.
2. my mother / Sina / gave / for his birthday / a book
 Active: My mother gave Sina a book for his birthday.
 Passive: A book was given to Sina for his birthday by my mother.
 Passive: Sina was given a book for his birthday by my mother.
 مادر من به سینا برای تولدش یک کتاب داد.
 یک کتاب به سینا برای تولدش توسط مادر من داده شد.
 به سینا یک کتاب برای تولدش توسط مادر من داده شد.
3. invented / Baird / the first television / in 1924
 Active: Baird invented the first television in 1924.
 Passive: The first television was invented by Baird in 1924.
 برد در سال ۱۹۲۴ اولین تلویزیون را اختراع کرد.
 اولین تلویزیون در سال ۱۹۲۴ توسط برد اختراع شد.
4. always / I / keep / in the fridge / the butter
 Active: I always keep the butter in the fridge.
 Passive: Butter is always kept in the fridge by me.
 من همیشه کره را در یخچال نگه می دارم.
 کره همیشه توسط من در یخچال نگه داشته می شود.



5. did not / inform / you / us / the results / about

Active: You didn't inform us about the results.

Passive: We weren't informed about the result by you.

شما در مورد نتایج ما را مطلع نکردی.

نتایج امتحان توسط شما به ما اطلاع داده نشد.

B Write the passive verbs in the correct tenses.

صفحة ۱۹

زمان مناسب افعال را به شکل مجهول بنویسید.

1. The robber was found by the police last week. (find)

۱- سارق هفته گذشته توسط پلیس پیدا شد. (عمل موردنظر در زمان مشخصی در گذشته رخ داده پس باید از زمان گذشته ساده استفاده کرد.)

2. The first fast food restaurants was opened in our city thirty years ago. (open)

۲- اولین رستوران فست‌فود ۳۰ سال پیش در شهر ما باز شد. (عمل موردنظر در زمان مشخصی در گذشته رخ داده پس باید از زمان گذشته ساده استفاده کرد.)

3. I have two parrots. They are kept in the cage. (keep)

۳- من دو طوطی دارم. آن‌ها در قفس نگهداری می‌شوند. (عملی که به طور دائمی در حال رخ دادن است را با حال ساده بیان می‌کنیم.)

4. Persian is spoken in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak)

۴- زبان فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان صحبت می‌شود. (عملی که به طور دائمی در حال رخ دادن است را با حال ساده بیان می‌کنیم.)

5. Jack's money has been stolen in the train. (steal)

۵- پول جک داخل قطار به سرقت رفته است. (عملی که در گذشته نامشخص رخ دهد را با ماضی نقلی بیان می‌کنیم.)

C Complete the following sentences with appropriate tag questions.

صفحة ۲۰

جملات زیر را با پرسش‌های تأییدی مناسب تکمیل کنید.

1. It's a lovely day, isn't it?

۱- روز خوبی است، مگر نه؟

2. You haven't done your homework, have you?

۲- تکالیف را انجام ندادی، مگر نه؟

3. There is a problem here, isn't there?

۳- یک مشکلی این‌جا هست، مگر نه؟

4. Hamid never says a word, does he?

۴- حمید هیچ‌وقت هیچ چیزی نمی‌گوید، مگر نه؟

5. Kate forgot to feed the chickens, didn't she?

۵- کیت فراموش کرد که به جوجه‌ها غذا بدهد، مگر نه؟

Part IV (Writing)

A Complete the sentences with "and", "or", "but" and "so".

صفحة ۲۱

جمله‌ها را با and, or, but, so کامل کنید.

1. She didn't invite me, so I didn't go to her birthday party.

۱- او مرا دعوت نکرد، بنابراین من به جشن تولدش نرفتم. (جمله دوم نتیجه جمله اول است.)

2. Robert can sing well, but he cannot draw well.

۲- رابرت می‌تواند به خوبی آواز بخواند، ولی نمی‌تواند به خوبی طراحی کند. (دو جمله در تضاد با یکدیگر هستند.)

3. My grandfather can't sleep, so he is going to drink a glass of hot milk.

۳- پدربزرگ من نمی‌تواند بخوابد، بنابراین می‌خواهد یک لیوان شیر داغ بنوشد. (جمله دوم نتیجه جمله اول است.)

4. I'm hungry, and there is no food in the kitchen.

۴- من گرسنه هستم و هیچ غذایی در آشپزخانه نیست. (دو عمل مشابه و متوالی)

5. We can take a taxi, or travel by train.

۵- می‌توانیم تاکسی بگیریم، یا با قطار سفر کنیم. (انتخاب بین دو چیز)

6. Reza and Saeed went swimming last week, and they had a nice time.

۶- رضا و سعید هفته گذشته به شنا رفتند و اوقات خوشی داشتند. (دو عمل مشابه و متوالی)

B Correct the underlined words using "and", "but", "or" and "so".

صفحة ۲۲

کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را با and, or, but, so اصلاح کنید.

0. He went to the restaurant ~~but~~ ordered food.

and

1. It's raining, ~~or~~ take your umbrella.

so

۱- جمله دوم نتیجه جمله اول است. (باران می‌آید، پس چترت را بردار.)

2. It's 3 p.m., ~~so~~ I'm not tired at all.
but

۲- جمله دوم در تضاد با جمله اول است. (ساعت ۳ بعدازظهر است، ولی من اصلاً خسته نیستم.)

3. There is snow in the street, ~~and~~ it's not too cold.
but

۳- جمله دوم در تضاد با جمله اول است. (داخل خیابان برف است، ولی هوا اصلاً سرد نیست.)

4. Shiva has an exam tomorrow, ~~but~~ she must study well tonight.
so

۴- جمله دوم نتیجه جمله اول است. (شیوا فردا امتحان دارد، بنابراین باید امشب خوب درس بخواند.)

5. My uncle was very tired, ~~or~~ he went to sleep.
so

۵- جمله دوم نتیجه جمله اول است. (عمو / دایی من خیلی خسته بود، بنابراین خوابش برد.)

© Put the words in correct order.

صفحة ۲۳

کلمات را در جای صحیح خود قرار دهید.

1. asked / a question / my teacher / so / replied / I

My teacher asked a question, so I replied.

۱- معلم من یک سؤال پرسید، بنابراین من پاسخ دادم.

2. studies / Mary / but / she / cannot / the exam / pass / a lot

Mary studies a lot, but she cannot pass the exam.

۲- مری خیلی درس می‌خواند، ولی نمی‌تواند امتحان را قبول شود.

3. went / my brother / to the library / at all / he / didn't / but / study

My brother went to the library, but he didn't study at all.

۳- برادر من به کتابخانه رفت، ولی اصلاً درس نخواند.

4. Reza / the class / attend / in hospital / he / cannot / so / is

Reza is in hospital, so he cannot attend the calss.

۴- رضا در بیمارستان است، بنابراین نمی‌تواند در کلاس شرکت کند.



پرسش‌های امتحانی

A: Fill in the blanks with the given words. There is ONE EXTRA WORD. (2 points)

dedicated - pigeons - founded - generation - hard of hearing - forgive - failure - deserve - regard

- Their first attempt to climb Everest ended in
- Dr. Smith is to his work. He earns nothing but love and respect for it.
- My grandfather believes that the younger doesn't know what hard work is.
- Children should have high for their parents.
- He didn't his wife because of what happened to their kids.
- I always feed in winter, because it is hard for them to find something to eat in that time of the year.
- This company was by his grandfather, father and uncles.
- This movie will be broadcast with subtitles for the

B: Complete the following sentences, using your own knowledge. The first letter of each word is given. (2 points)

- A book in which you record your thoughts or feelings or what has happened every day is called d..... .
- My daughter never s..... her toys with her friends.
- When you s....., it means you say something very loudly.
- The t..... of water was just right for swimming.

C: Write the synonyms or antonyms for the underlined words. (1 point)

- Eating too much fast food is not good for your health. =
- He was talking aloud so everybody could hear him. ≠
- Do you know who the author of this book is? =
- I've seen him somewhere before, but I don't remember where. ≠

D: Match the definitions with the words. There are TWO EXTRA WORDS in the right column. (0.75 point)

- A piece of writing that expresses emotions especially in short lines using words that rhyme. a) hug
- To put your arms around someone and hold them tightly to show love and friendship. b) appreciate
- The upper part of your legs when you are sitting down. c) poem
d) sofa
e) lap

E: Make collocations by matching the words on the left with the ones on the right. There is ONE EXTRA WORD in column B. (0.75 point)

- | <u>A</u> | <u>B</u> |
|-----------|----------------|
| 20. take | a) well |
| 21. spare | b) tears |
| 22. feel | c) temperature |
| | d) no pains |

F: Choose the best choice. (1.5 points)

- I have never been before, so I'm finding this trip very exciting.
1) out 2) inside 3) abroad 4) foreign
- Without more data we cannot make a comparison of the two products.
1) compound 2) famous 3) suitable 4) meaningful

25. In some countries, it's for women with families to want to work outside the home.

- 1) unreal 2) hopeful 3) unnatural 4) peaceful

26., the two students with the lowest grades on the project passed the final exams.

- 1) Unconditionally 2) Interestingly 3) Successfully 4) Politely

27. When he went back to his homeland, he discovered that his mother was there, he had brothers,, sisters and a whole branch of relations.

- 1) cousins 2) cultures 3) ethics 4) pigeons

28. The team really that victory after the way they played.

- 1) ordinary 2) deserved 3) cruel 4) worthy

G: Fill in the blanks with the correct form of the given verbs. (2 points)

29. Milk is usually in the fridge. (keep)

30. Everybody has known the answer, they? (have)

31. Yesterday, they to school by bus. (go)

32. How many shirts have by her? (wash)

H: Change the following sentence to passive voice. (1 point)

33. The police have caught the thief.

..... by the police.

I: Put the words in correct order. (2 points)

34. has - this - been - several - film - times - shown - before - ?

.....

35. went - my sister - buy - the supermarket - anything - she - didn't - but - to - .

.....

J: Look at the pictures and answer the questions. (2 points)

36. Where is the car parked?

.....



37. What language is spoken in this country?

.....



K: Combine the given sentences in each item and make a compound sentence. (1 point)

38. Sara didn't invite me to her wedding ceremony. I didn't go there.

.....

39. Jack draws very well. Jack's handwriting is terrible.

.....

L: Complete the following sentences with appropriate tag questions. (1 point)

40. She never lets me borrow her books,?

41. I am so happy to see you again,?

M: Choose the best choice. (2 points)

42. Do you know where the gun powder?

- 1) invented 2) was invented 3) did invent 4) has invented

43. He hurt himself terribly,?

- 1) doesn't he 2) does he 3) didn't he 4) did he



44. Would you like to go to Paris, you rather go to Budapest?

- 1) and 2) so 3) but 4) or

45. William Shakespeare as the one of the greatest writers in English literature history.

- 1) knows 2) knew 3) is known 4) has known

N: Fill in the blanks with the best choice. (2 points)

Parents are the caretaker, protector, guide of a child. The task of parents, therefore, is to (46) the physical, mental, and emotional powers of the child, in a perfect balance, (47) a good set of parents isn't the one whose children (48) and clothed but is the one who is skilled in a mysterious and difficult art. Today, parents have to do a great deal with homework as part of their (49) for raising a child.

46. 1) forgive 2) develop 3) inform 4) combine
47. 1) because 2) but 3) so 4) or
48. 1) are feeding 2) is fed 3) feed 4) are fed
49. 1) creation 2) responsibility 3) temperature 4) description

O: Read the passage and answer the following questions. (3 points)

Lionel Andrés Messi was born on 24 June 1987. His talent was early found by his father. When he began playing with the local team, his potential was quickly identified by Barcelona. At the age of 11, he had a growth hormone deficiency, which is a medical condition in which the body does not produce enough growth hormone and whose treatment needs a lot of money. He left Rosario-based Newell's Old Boys's youth team in 2000 and moved with his family to Europe because Barcelona offered treatment for his growth hormone deficiency. He broke the La Liga record for the youngest footballer to play a league game, and was also the youngest to score a league goal.

Messi was the top scorer of the 2005 FIFA World Youth Championship with six goals, including two in the final game. Shortly he became an established member of Argentina's senior international team. In 2006, he became the youngest Argentine to play in the FIFA World Cup and he won a runners-up medal at the Copa América tournament the following year. In 2008, in Beijing, he won his first international honor, an Olympic gold medal, with the Argentina Olympic football team.

50. Why did Messi leave Rosario-based Newell's Old Boys's youth team?

.....

51. How many world records did Messi break?

.....

52. Messi won a runners-up medal in

- 1) 2005 2) 2006 3) 2007 4) 2008

53. Except the goals in the final games, Messi scored 4 goals in 2005 FIFA World Youth Championship. T F

54. Messi's talent was first found by Barcelona. T F

Grammar

1. In England, many shops at around ten in the evening.
1) closing 2) are closed 3) closed 4) are closing
2. I'm invited to the wedding ceremony,?
1) am not I 2) are I 3) aren't I 4) am I
3. We wanted to change our house, unfortunately we didn't have enough money.
1) so 2) but 3) and 4) or
4. The annual meeting until the end of September.
1) has postponed 2) has been postponed 3) been postponed 4) postponed
5. You went on an expensive Atlantic Ocean cruise holiday, you?
1) didn't 2) don't 3) haven't 4) did
6. Over a million dollars in cash from the City Bank.
1) have stolen 2) have been stolen 3) stole 4) is stealing
7. Police a number of people following a demonstration in the French capital, Paris.
1) have arrested 2) have been arrested 3) are arrested 4) has been arrested
8. His coffee was too hot, he put some cold milk in it.
1) and 2) so 3) but 4) or
9. My nickname in the office is "CJ",?
1) is it 2) aren't I 3) am I 4) isn't it
10. How did people communicate over long distances before the phone?
1) invented 2) was invented 3) has invented 4) was inventing
11. That old western song on the radio very often, is it?
1) isn't played 2) doesn't play 3) play 4) is played
12. Every year, several prizes to the best teachers and students.
1) gave 2) was given 3) are given 4) give
13. The police searched through the crime scene many times could not find any clues.
1) so 2) and 3) or 4) but
14. The price of oil hasn't fallen much in recent years,?
1) has it 2) does it 3) doesn't it 4) hasn't it
15. There are eight beautiful hand-made chairs around that old table,?
1) aren't they 2) isn't there 3) is there 4) aren't there
16. Nothing of Pauline since her car accident last summer.
1) have been seen 2) has been seen 3) have seen 4) has seen
17. We can go to the mountain, we can go horse-back-riding, whichever you prefer.
1) and 2) so 3) or 4) but
18. Up to now no decision on the future of the car factory.
1) has been made 2) was made 3) makes 4) made
19. Brian never goes to bed before 11 o'clock on weekends,?
1) isn't he 2) is he 3) doesn't he 4) does he
20. He can't walk because he fell off the chair hurt his knee, he has a lot of time to read.
1) because / so 2) and / so 3) and / because 4) because / and



21. The old church in the forest, not far from the river. I'm sure you can easily find it.
 1) located 2) locate 3) was located 4) is located
22. We arrived early at the stadium, we could get good seats for the match.
 1) but 2) or 3) because 4) so
23. There are a lot of people waiting in the garden,?
 1) aren't they 2) do there 3) aren't there 4) don't they
24. He was all alone in the forest, the daylight was disappearing; he wasn't frightened at all.
 1) and / but 2) so / and 3) and / and 4) so / but
25. Nowadays, a lot of money on weapons of mass destruction.
 1) is spending 2) are spent 3) spend 4) is spent
26. Your mother let you go out to play with your friends,?
 1) does she 2) doesn't she 3) did she 4) didn't she
27. Life different in a hundred years' time, won't it?
 1) will not be 2) would be 3) will not 4) will be
28. The minimum age of marriage from 15 to 18.
 1) raised 2) was raised 3) has raised 4) has been raised
29. Nobody's been told the news,?
 1) isn't it 2) aren't they 3) has it 4) have they
30. Jason didn't know whether his bike would be fixed, if he would have to walk to school.
 1) but 2) so 3) or 4) because
31. It's been a long time since you've seen your grandmother,?
 1) hasn't it 2) haven't you 3) is it 4) isn't it
32. A lot of meetings but nothing has been decided yet.
 1) held 2) are held 3) have been held 4) hold
33. It rained hard all day yesterday,?
 1) did it 2) isn't it 3) didn't it 4) didn't they
34. The weather won't improve if we sit here and look out the window,?
 1) don't we 2) won't it 3) will it 4) do we
35. When people, they to the police station.
 1) arrested / took 2) arrested / are taken 3) are arrested / took 4) are arrested / are taken
36. Somebody told you the secret,?
 1) didn't he 2) didn't they 3) did they 4) did he
37. The employees have brought up this issue during the meeting.
 This issue by the employees during the meeting.
 1) has been brought up 2) is brought up 3) was brought up 4) brought up
38. David had a great time in Madrid,?
 1) hadn't David 2) hadn't he 3) didn't he 4) didn't David
39. We the meeting until the end of the month.
 1) been postponed 2) have postponed 3) was postponed 4) have been postponed
40. We can go out now; the danger is over,?
 1) isn't he 2) isn't it 3) is it 4) can we
41. The fuel prices increased, we need smaller, fuel-efficient cars.
 1) but 2) or 3) so 4) because

42. The gold in a cave near the top of the mountain.

- 1) was discovered 2) discovered 3) has discovered 4) is discovering

43. You have no money to lend me, you?

- 1) don't 2) have 3) haven't 4) do

44. Everyone's ready to leave now,?

- 1) aren't they 2) are they 3) is everyone 4) isn't everyone

45. The thieves around two million dollars in cash from the Bank of Western Europe in Berlin.

- 1) stole 2) were stolen 3) steal 4) have been stolen

Vocabulary

46. What a/an we've lost such a great man.

- 1) pity 2) attempt 3) heritage 4) regard

47. It is my belief that we will find a for cancer in the next ten years.

- 1) behavior 2) cure 3) sense 4) role

48. This monument is to the soldiers who gave their lives to their country.

- 1) replaced 2) attended 3) dedicated 4) cared

49. She works hard and she a little bit of quality time to relax.

- 1) boosts 2) deserves 3) combines 4) informs

50. The of the company was a direct result of bad management.

- 1) failure 2) author 3) identity 4) solution

51. Many people have been vaccinated against the this year as well.

- 1) function 2) diary 3) lap 4) flu

52. The school would like to thank all the students and parents who were so with their donations.

- 1) passive 2) appropriate 3) generous 4) suitable

53. Life is just like a painting. Many things make it and colorful.

- 1) similar 2) meaningful 3) quiet 4) countless

54. Because of the exchange rate, we can't afford to abroad this summer.

- 1) get 2) go 3) make 4) take

55. You shouldn't too much private information on the social networks.

- 1) found 2) deserve 3) protect 4) share

56. I want you to know that we will to support you anytime and anywhere.

- 1) burst into tears 2) spare no pains 3) take a rest 4) take care

57. You should always remember that the best love is to love others

- 1) politely 2) rarely 3) interestingly 4) unconditionally

58. She failed her entrance exam on the first, but she succeeded on her second one.

- 1) attempt 2) project 3) value 4) title

59. When I was watching the movie, the young woman next to me in the movie theater suddenly

- 1) spared no pains 2) burst into tears 3) was cared for 4) was born

60. After I took the medicine I no pain.

- 1) got 2) caught 3) took 4) felt

61. At last, a 1 - 0 victory gives Iran's supporters something to about.

- 1) discover 2) shout 3) elicit 4) weave

62. The old Italian was bigger than the new one, so they had to rearrange the rest of the furniture.

- 1) sofa 2) tool 3) light bulb 4) tablet



63. The newlyweds release white at the end of their wedding ceremony.
 1) parrots 2) cousins 3) tears 4) pigeons
64. We should help her; it's too difficult for a single mother to five children by herself.
 1) fix 2) feed 3) generate 4) refer
65. Whenever I travel to big cities I make sure I my handbag tightly to me.
 1) create 2) install 3) handle 4) hug
66. Everybody will mistakes, that's why they put erasers on the end of pencils.
 1) take 2) have 3) lose 4) make
67. My friend and I are really excited, because we have found the in which Gina recorded her thoughts and secrets.
 1) diary 2) author 3) column 4) ethics
68. Sometimes, simple things such as sound of a river, fresh flowers in a and pleasant smell can make a world of difference.
 1) poetry 2) oven 3) vase 4) fridge
69. Susan is really angry and I think she will never her friends for the terrible things they have done to her.
 1) shout 2) forgive 3) connect 4) boost
70. I didn't know that my new job is to the meetings and report back to the board of directors.
 1) inform 2) provide 3) include 4) attend
71. The police reported that she had been stabbed in the chest
 1) repeatedly 2) at least 3) hopefully 4) rarely
72. The firefighter did everything his power to save the children that were trapped in the burning building.
 1) including 2) within 3) along with 4) whereby
73. We have to see if they are truly to be called hero or not!
 1) compound 2) serious 3) worthy 4) religious
74. His natural mother was not able to him so he was raised by his aunt.
 1) attend 2) underline 3) care for 4) remember
75. It is not good to do anything to money. You have to have some principles.
 1) make 2) catch 3) build 4) count
76. The manager asked me, "How much time and energy do you spend on that don't make you any money?"
 1) passages 2) projects 3) pronouns 4) poets
77. When you are giving a speech the right word may be effective, but sometimes no word was ever as effective as a rightly timed
 1) mistake 2) lack 3) pause 4) starter
78. After the break, our teacher asked us to take turns getting up in front of the class to read something
 1) suddenly 2) politely 3) abroad 4) aloud
79. Jennifer created an Art Project for her students they had to design a decorative object.
 1) whereby 2) unconditionally 3) within 4) suddenly
80. Vote registration is really complicated. A lot of things need to be done to simplify it.
 1) collocation 2) process 3) heritage 4) society
81. This questioner helps to measure the level of air pollution and quality and of drinking water.
 1) quantity 2) inspiration 3) medicine 4) contrast
82. In the street market there was a woman who brought dried and fresh herbs for sale copies of a book she has written on the use of herbs.
 1) including 2) whereby 3) along with 4) within

83. The fire spread very rapidly because of the wind.
 1) heavy 2) hard 3) rapid 4) strong
84. We had made an that we would share the profits equally.
 1) inspiration 2) agreement 3) ethic 4) blessing
85. The most appropriate for not getting into troubles may simply be to walk away from the problem.
 1) mention 2) experiment 3) strategy 4) failure
86. These days, sandstorms are in southern parts of Iran.
 1) common 2) busy 3) passive 4) native
87. We are really exhausted. We'll a break now and restart in half an hour.
 1) make 2) take 3) have 4) get
88. Sometimes it is difficult to give a verbal of things like colors and sounds.
 1) disease 2) description 3) education 4) emotion
89. Newspapers always keep us of the events which are happening all around the world.
 1) ended 2) created 3) informed 4) developed
90. There's a lot of food in the, so there's no need to go to the supermarket.
 1) dishwasher 2) homeland 3) location 4) fridge
91. The police asked us to them any change of address as soon as possible.
 1) handle 2) inform 3) translate 4) improve
92. My wife and I were walking along the street; suddenly a grabbed the mobile phone away from my wife.
 1) strength 2) matter 3) robber 4) cancer
93. Police would like to hear from anyone with information about the diamond.
 1) ruled 2) stolen 3) cured 4) valued
94. The username should start with a letter, which can be followed by any of numbers and more letters.
 1) combination 2) difference 3) principle 4) solution
95. Each employee must a promise to work towards the company's goals.
 1) have 2) take 3) make 4) get
96. Our teacher asked us to look carefully at those questions and write our answers down in the right-hand
 1) choice 2) point 3) column 4) tense
97. The seems uncertain whether he is writing a comedy or a tragedy, so the play is something between.
 1) physician 2) poet 3) housewife 4) author
98. In the different regions of India, Hindus worship different gods, so you can observe different ceremonies.
 1) generous 2) religious 3) main 4) native
99. The doctor told him, "If you don't stop smoking, you will run the risk of developing lung"
 1) pressure 2) cancer 3) strength 4) passage
100. Donald's and youth were spent helping his family in an unsuccessful constructing business.
 1) childhood 2) guideline 3) temperature 4) heritage
101. His paintings have always been a source of for me.
 1) generation 2) variation 3) inspiration 4) condition
102. I think people should work together to find reasonable to their problems.
 1) solutions 2) results 3) experiences 4) products
103. These fire alarms save lives every year, and every home should have them.
 1) positive 2) suitable 3) terrible 4) countless
104. The lack of a good might disqualify you from this job.
 1) robber 2) starter 3) belonging 4) education



105. The why people give up trying so quickly is because they look at how far they still have to go, instead of how far they have come.

- 1) heaven 2) reason 3) sense 4) honor

106. She was as cold as ice. She received the news without showing any

- 1) collocation 2) variation 3) emotion 4) creation

107. The rain has led to serious flooding in some areas.

- 1) fast 2) heavy 3) rapid 4) big

108. Pollution has a negative effect on the health of everyone living in the city, not to the damage to the environment.

- 1) mention 2) signal 3) weave 4) share

109. There is a great about the future of the former president.

- 1) matter 2) mistake 3) diploma 4) uncertainty

110. We cannot trust her;, she didn't attend the important meeting yesterday.

- 1) for instance 2) by the way 3) within 4) whereby

111. The doctor told him that his is serious and requires surgery.

- 1) thought 2) society 3) condition 4) quantity

112. When someone wants to use a software, they have to that they have read and understood the terms and conditions of that program.

- 1) elicit 2) confirm 3) handle 4) receive

113. Golf is generally considered a game for rich people, in to football, which can be enjoyed by anybody.

- 1) contrast 2) willing 3) value 4) reply

🔒 114. You have to ask yourself what information is the questionnaire intended to from the respondent.

- 1) replace 2) signal 3) wear 4) elicit

115. The is more changeable in mountain regions than in any other district.

- 1) starter 2) teenager 3) weather 4) author

🔒 116. The first rule of is that the board is to be positioned so that a white square is in the right-hand corner.

- 1) moral 2) chess 3) heaven 4) society

117. Scientists are trying to produce a new chemical

- 1) compound 2) failure 3) diary 4) contrast

118. A poet is one who can change words into a meaningful and effective piece of writing.

- 1) elderly 2) cruel 3) ordinary 4) proud

119. Diets are most effective when with exercise.

- 1) selected 2) replied 3) combined 4) generated

120. after the shower and relax in a quiet room or area if you want to get well soon.

- 1) Burst into 2) Spare no pains 3) Be born 4) Take a rest

121. The UN must try to find a solution to end the conflict.

- 1) peaceful 2) successful 3) grateful 4) meaningful

122. My son, Michael, won a singing competition and I'm of him.

- 1) worthy 2) proud 3) famous 4) lazy

123. The son of the King was nine when his father died.

- 1) busy 2) common 3) main 4) elder

🔒 124. It is not clear whether the president is negotiate with the democrats.

- 1) bursting into 2) changing into 3) willing to 4) referring to

125. There are no simple to the problem of air pollution.

- 1) heritage 2) behavior 3) function 4) solution

126. Parents should teach their children a set of

- 1) experiments 2) strengths 3) principles 4) mistakes

127. If you want to make good money, you must sell the house for the current market

- 1) value 2) title 3) blessing 4) role

128. After hearing the shocking news he was really angry, but managed to reply

- 1) angrily 2) calmly 3) beautifully 4) repeatedly

129. The first is very important, not only for losing weight but for controlling it.

- 1) responsibility 2) guideline 3) blessing 4) behavior

130. The bank is able to the photograph of who used the machine.

- 1) shout 2) respect 3) steal 4) provide

131. We do not know the of health till we lose it.

- 1) description 2) lack 3) experiment 4) blessing

132. Most of the time, the clothes people wear identify them as to a particular social class.

- 1) belonging 2) kindness 3) pressure 4) comprehension

133. These beautiful old cities are parts of our

- 1) heritage 2) function 3) difference 4) responsibility

134. I liked your letter because it had been written in friendly, language.

- 1) generous 2) comfortable 3) ordinary 4) special

135. Even at these speeds, engine noise was, with only small amounts of road and wind noise.

- 1) quit 2) quiet 3) quite 4) quick

cloze 1

Respecting people who are living around us, especially elders, is very important. But how can we show respect to them, (136) how can we respect them? There are many ways that the elders (137) by younger ones. One of these ways is talking to them formally instead of using some words which are not (138) Another way is listening to them carefully even if their ideas are in (139) with yours. These kind of behaviors not only show our respect but also show our (140), so people will behave nicely toward us as well.

136. 1) because 2) but 3) so 4) or
 137. 1) are respected 2) be respecting 3) respect 4) to respect
 138. 1) hopeful 2) appropriate 3) grateful 4) ordinary
 139. 1) mention 2) regard 3) contrast 4) attempt
 140. 1) heart 2) kindness 3) point 4) choice

cloze 2

In an orderly community, elderly people are entitled to great respect at the hands of the younger (141) We receive many benefits from our elders. Besides specific acts of kindness that are done individually, our elders are the source of the (142) and well-being of the community in general. We constantly seek advice from elders with regard to personal problems. Their wider (143) of life qualifies them to give advice. Their advice (144) by everyone all over the world. A young person after passing one or two examinations, (145) even before passing, thinks he is very wise and hates the old uneducated men. This is not a sign of greatness at all.

141. 1) generation 2) inspiration 3) education 4) description
 142. 1) failure 2) pressure 3) honor 4) result
 143. 1) responsibility 2) experience 3) thought 4) experiment
 144. 1) is appreciated 2) is appreciating 3) are appreciated 4) are appreciating
 145. 1) because 2) but 3) so 4) or



Reading 1

Once upon a time a psychology professor walked around on a stage. She was teaching stress management principles to a class filled with students. As she held a glass of water, everyone thought that she would ask the typical “glass half empty or glass half full” question. Instead, with a smile on her face, the professor asked, “How heavy is this glass of water I’m holding?” Students shouted out different answers. She answered, “In my opinion, the absolute weight of this glass doesn’t matter. It all depends on how long I hold it. If I hold it for a minute or two, it’s light. If I hold it for an hour, its weight might make my arm ache a little. If I hold it for a day, my arm will likely cramp up and I will not be able to move my arm for some days, forcing me to drop the glass to the floor. In each case, the weight of the glass doesn’t change, but the longer I hold it, the heavier it feels to me.”

As the class shook their heads in agreement, she continued, “Your stresses and worries in life are like this glass of water. Think about your worries for a while and nothing happens. Think about them a bit longer and you begin to ache a little. Think about them all day long, and you will feel completely incapable of doing anything else until you drop them.”

146. What is the main idea of the text?

- 1) Our stresses are as light as water.
- 2) If you hold a glass for a day, you will drop it at the end of the day.
- 3) The weight of our worries depends on how long we hold them.
- 4) We should see the glass half full to be able to overcome our stress.

147. What was important to the professor?

- | | |
|---------------------|-------------------------------|
| 1) half empty glass | 2) the weight of the glass |
| 3) half full glass | 4) how long the glass is held |

148. What does “them” in the last line refer to?

- | | | | |
|------------|------------|-------------|---------|
| 1) worries | 2) glasses | 3) students | 4) arms |
|------------|------------|-------------|---------|

149. What is the best title for this passage?

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| 1) A Half Empty Glass | 2) The Weight of the Glass |
| 3) A Psychology Professor | 4) How to Drop a Glass |

Reading 2

Maryam Mirzakhani has become the first woman to win the Fields Medal, the most prestigious prize in mathematics. Mirzakhani, 37, completed her PhD at Harvard in 2004.

During her childhood, she dreamt of becoming a writer. Her most exciting hobby was reading novels; in fact, she would read anything she could find. She never thought she would like mathematics until her last year in high school. She grew up in a family with three siblings. Her parents were always very supportive and encouraging. It was important for them that their kids have meaningful and satisfying careers, but they didn’t care as much about success and achievement.

In many ways, it was a great environment for her, though those were hard times during the Iran-Iraq war. Her older brother was the person who got her interested in science in general. He used to tell her what he learned in school. Her first memory of mathematics was probably the time that he told her about the problem of adding numbers from 1 to 100. She thought he had read in a popular science journal “how Gauss solved this problem”. The solution was quite fascinating for her. That was the first time she enjoyed a beautiful solution, though she couldn’t find it herself.

150. Which sentence is TRUE about Mirzakhani?

- 1) Her parents wanted her to become a mathematician
- 2) The war made a meaningful environment for her
- 3) Her brother motivated her to learn science
- 4) She solved the problem of adding numbers from 1-100 herself

151. What does the word “them” in line 5 refer to?

- | | | | |
|-----------------|----------------|---------------|--------------|
| 1) her siblings | 2) her parents | 3) her family | 4) her books |
|-----------------|----------------|---------------|--------------|

152. Which statement is NOT true?

- 1) She was nearly 17 when she realized she likes math
- 2) She was fascinated, even if she hadn't solve math problems herself
- 3) Having a good job was less important than having great achievements
- 4) She read anything she could

153. What was her first memory of mathematics?

- 1) Completing her PhD at Harvard in 2004
- 2) Her last year in high school
- 3) Winning the Fields Medal
- 4) The problem of adding numbers from 1 to 100

Reading 3

Man has to live in a society. So, he must know good manners and how to behave with others. How should he behave? He should respect the ideas of others. He must respect his elders. He must be gentle and polite. His reply should always be sweet. Truth, no doubt, is not always sweet. But even a bitter truth can be made sweet by the use of sweet words. Who can like the sharpness of a clever tongue? So nobody can like you if you lack good manners.

But there are people who know the art of making enemies. They don't know good manners and are very rough in their behavior. In recent times, students disrespect their teachers. They hurt simple boys and girls easily. All this shows that they lack culture and discipline. The result is that such students are hated everywhere.

So, it is necessary to learn good manners early in life. A good home is the best school for training in good manners. A good society, too, helps you learn manners. But good manners should not be learned like a parrot. You must be natural in your behavior. Only a "thank you" with a smile is not enough. Good manners are moral qualities. Only a show of good manners is like a snake under grass or like sweet poison. It is bad to have honey on the tongue and poison in the heart. So, you should really be sweet, not only appear to be sweet.

154. People should have good manners because

- 1) they have to respect others
- 2) they have to live in a society
- 3) they have to be polite
- 4) they have to tell the truth

155. Which of the options is NOT the way someone should behave?

- 1) One should be polite
- 2) One should respect other's opinion
- 3) One should tell a truth with bitter words
- 4) One should respect older ones

156. What does "they" in the 6th line refer to?

- 1) teachers
- 2) people
- 3) students
- 4) enemies

157. Good manners

- 1) should be learned at young age
- 2) should be learned like a parrot
- 3) should make you appear to be sweet
- 4) should help you have poison in the heart

Reading 4

Teachers deserve respect from parents, students, and the community because they play a critical role in shaping the society. Through them, we gain knowledge and develop skills that make us useful people in the society. We should respect and obey our teachers because of the efforts that they put in making who we are. Everyone who is able to read this article will be in a position to realize what his teachers have put in his progress. To train your body in healthy games and exercises, to instruct you in the lessons, to watch and direct your progress, you must know how much pain your teachers take.

When we respect and obey teachers, they become motivated to do their duties and help students learn and acquire knowledge. Respecting and obeying teachers are also learning. Students can attentively listen to lectures and understand what is taught in class while teachers are able to be at their best and teach effectively. At school your lessons have to be learned, your body has to be made healthy and strong; your character has to be formed, all this is for your own good. That is the goal of school training. Without respecting teachers, the younger generation may fail to realize the benefit of education and learning.



158. According to the text, teachers help you with all the followings EXCEPT

- | | |
|-----------------------------|--------------------------|
| 1) forming a good character | 2) having a healthy body |
| 3) becoming motivated | 4) gaining knowledge |

159. The younger generation will understand the value of education if they

- | | |
|--|---|
| 1) acquire knowledge to find the truth | 2) respect their teachers |
| 3) do their duties | 4) listen to their teachers attentively |

160. What does "their" in paragraph 2 refer to?

- | | | | |
|-------------|-------------|-------------|------------------|
| 1) students | 2) lectures | 3) teachers | 4) the community |
|-------------|-------------|-------------|------------------|

161. What is NOT mentioned to be done at school?

- | | |
|----------------------------|------------------------------|
| 1) learning one's lessons | 2) teaching lectures |
| 3) forming one's character | 4) making one's body healthy |

A: جاهای خالی را با کلمات داخل کادر پر کنید. یک کلمه اضافه است.

1- failure (شکست)

«تلاش اول آن‌ها برای بالارفتن از اورست، منجر به شکست شد.»

2- dedicated (وقف کردن)

«دکتر اسمیت خودش را وقف کارش کرده است. او هیچ چیز به جز عشق و احترام برای آن به دست نمی‌آورد.»

3- generation (نسل)

«پدربزرگ من اعتقاد دارد نسل جوان‌تر نمی‌داند که سخت کار کردن چیست.»

4- regard (احترام)

«بچه‌ها باید احترام زیادی برای والدینشان قائل شوند.»

5- forgive (بخشیدن)

«او همسرش را به خاطر اتفاقی که برای بچه‌هایشان افتاد، بخشید.»

6- pigeons (کبوترها)

«من همیشه به کبوترها در زمستان غذا می‌دهم، به خاطر آن‌ها که برای آن‌ها سخت است که در آن زمان از سال چیزی برای خوردن پیدا کنند.»

7- founded (تأسیس شده)

«این شرکت توسط پدربزرگ، پدر و عموهای او تأسیس شده.»

8- hard of hearing (مشکل شنوایی)

«این فیلم با زیرنویس برای کسانی که مشکل شنوایی دارند، پخش خواهد شد.»

B: جاهای خالی را با دانش لغوی خود تکمیل کنید. حرف اول هر کلمه داده شده است.

9- diary (دفترچه خاطرات)

«کتابی که در آن شما تفکرات و احساساتتان یا آنچه که هر روز رخ می‌دهد را می‌نویسید دفترچه خاطرات نامیده می‌شود.»

10- share (تقسیم کردن)

«دختر من هیچ وقت اسباب‌بازی‌هایش را با دوستانش تقسیم نمی‌کند.»

11- shout (فریاد زدن)

«زمانی که شما فریاد می‌زنید، این بدان معناست که شما چیزی را خیلی بلند می‌گویید.»

12- temperature (دما)

«دمای آب برای شناکردن کاملاً مناسب بود.»

C: مترادف یا متضاد کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، بنویسید.

13- fast food ⇌ quick meal

«خوردن زیاد فست‌فود برای سلامتی شما خوب نیست.»

14- aloud ⇌ quietly

«او داشت با صدای بلند صحبت می‌کرد؛ بنابراین همه می‌توانستند صدای او را بشنوند.»

15- author ⇌ writer

«آیا می‌دانی که نویسنده این کتاب چه کسی است؟»

16- remember ⇌ forget

«او را قبلاً جایی دیده‌ام، ولی به خاطر نمی‌آورم کجا.»

D: تعاریف را با کلمات جفت کنید. دو کلمه اضافه است.

17- poem (شعر)

«نوشت‌های که بیانگر احساسات است مخصوصاً در جملات کوتاه و استفاده از کلماتی که وزن دارند.»

18- hug (بغل کردن)

«قرار دادن دست‌ها به دور کسی و محکم نگاه داشتن او برای نشان دادن عشق و دوستی.»

19- lap (روی ران پا)

«قسمت بالایی پای شما زمانی که می‌نشینید.»

E: با جفت کردن کلمات ستون راست با چپ هم‌آیند بسازید. یک کلمه اضافه است.

20- take temperature (اندازه‌گیری دما)

21- spare no pains (از هیچ کاری مضایقه نکردن)

22- feel well (حس / حال خوب داشتن)

F: گزینه صحیح را انتخاب کنید.

23- گزینه ۳ «من قبلاً هیچ وقت خارج نبوده‌ام، به همین خاطر این سفر برایم خیلی هیجان‌انگیز است.»

been abroad یک هم‌آیند است، به همین دلیل گزینه ۴ غلط است.

1) بیرون 2) درون 3) خارج 4) خارج

24- گزینه ۴ «بدون اطلاعات بیشتر ما نمی‌توانیم مقایسه‌ی بامعنایی از دو محصول داشته باشیم.»

1) مرکب 2) مشهور 3) مناسب 4) بامعنا

25- گزینه ۳ «در برخی از کشورها برای خانم‌هایی که خانواده (همسر و فرزند) دارند، غیرطبیعی است که بخواهند بیرون از خانه کار کنند.»

1) غیرواقعی 2) امیدوار 3) غیرطبیعی 4) صلح‌آمیز

26- گزینه ۲ «جالب این‌که، دو دانش‌آموزی که پایین‌ترین نمره را داشتند، آزمون پایانی را قبول شدند.»

1) بی‌قیدوشرط 2) جالب این‌که 3) با موفقیت 4) مؤدبانه

27- گزینه ۱ «زمانی که به سرزمین مادری‌اش بازگشت، متوجه شد که مادرش آن‌جا بوده، برادر، بچه‌های خاله، دایی، عمو، عمه، خواهر و کلی قوم و خویش داشته.»

1) بچه‌های خاله، دایی، عمو و عمه 2) فرهنگ‌ها

3) اخلاقیات 4) کبوترها

28- گزینه ۲ «اون تیم واقعاً با مدلی که بازی کرد لیاقت پیروزی را داشت.»

1) عادی 2) لیاقت‌داشتن، سزاوار بودن

3) بی‌رحم 4) شایسته، سزاوار

G: شکل صحیح افعال داخل پراتنز را در جای خالی بنویسید.

29- kept «شیر اغلب در یخچال نگهداری می‌شود.»

از آن‌جایی که milk در این جمله انجام‌دهنده عملی نیست، بلکه عملی بر روی آن صورت پذیرفته است با یک ساختار مجهول روبه‌رو هستیم و همان‌طور که می‌دانید در ساختار مجهول بعد از فعل to be نیاز به شکل سوم افعال است.

30- haven't they «همه جواب را می‌دانستند، مگر نه؟»

ساختار جمله اصلی، مثبت است و زمان آن ماضی نقلی، در نتیجه tag question آن باید منفی باشد. ضمیر نامعلوم everybody اگر بخواهد تبدیل به ضمیر فاعلی شود، they جایگزین آن می‌شود به همین سبب شکل جمع فعل has که همان have است به کار برده می‌شود و به خاطر آن که باید منفی باشد، از haven't در جای خالی استفاده می‌کنیم.

31- went «آن‌ها دیروز با اتوبوس به مدرسه رفتند.»

زمان جمله، گذشته ساده و معلوم است، به همین سبب باید شکل گذشته فعل بی‌قاعده go که went است را به کار ببریم.

۴۴- گزینه ۴ **or** «دوست داری به پاریس بروی، یا ترجیح می‌دهی به بوداپست بروی؟»

دو عبارتی که به هم متصل شده‌اند گزینه‌هایی هستند که پیش روی یک فرد قرار می‌گیرند؛ در نتیجه برای ارتباط این دو جمله از **or** استفاده می‌کنیم.

۴۵- گزینه ۳ **is known** «ویلیام شکسپیر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان در تاریخ ادبیات انگلیسی شناخته می‌شود.»
جمله، مجهول و زمان آن گذشته ساده است.

N: جاهای خالی را با بهترین گزینه پر کنید.
والدین مراقب، محافظ و راهنمای یک کودک هستند. بنابراین وظیفه والدین، توسعه (۴۶) قدرت‌های جسمی، ذهنی و احساسی کودک با یک توازن عالی است، بنابراین (۴۷) والدین خوب کسانی نیستند که بچه‌هایشان را غذا می‌دهند (۴۸) و برایشان لباس تهیه می‌کنند، بلکه کسانی هستند که در یک هنر دشوار و اسرارآمیز مهارت دارند. امروزه، والدین باید به عنوان بخشی از مسئولیت (۴۹) خود در پرورش کودک، وقت زیادی برای انجام تکالیف بگذارند.

۴۶- گزینه ۲
(۱) بخشیدن (۲) توسعه دادن (۳) اطلاع دادن (۴) ترکیب کردن

۴۷- گزینه ۳
(۱) زیر (۲) ولی، اما (۳) بنابراین (۴) یا

۴۸- گزینه ۴
جمله مجهول است و زمان آن حال ساده، در نتیجه **are fed** پاسخ صحیح است.

۴۹- گزینه ۲
(۱) خلقت (۲) مسئولیت (۳) دما (۴) توصیف

O: متن را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

لیونل آندرس مسی در ۲۴ ژوئن ۱۹۸۷ به دنیا آمد. استعداد او خیلی زود توسط پدرش کشف شد. زمانی که او شروع به بازی کردن در تیم محلی کرد، پتانسیل او به سرعت توسط باشگاه بارسلونا شناسایی شد. در یازده سالگی، اختلال هورمون رشد پیدا کرد، چیزی که یک شرایط پزشکی است بدین صورت که بدن به اندازه کافی هورمون رشد تولید نمی‌کند و درمان آن نیاز به پول خیلی زیادی دارد. او تیم جوانان روساریو نیو آلد بویز را در سال ۲۰۰۰ ترک کرد و با خانواده‌اش، به خاطر آن که بارسلونا پیشنهاد درمان اختلال رشد او را داده بود، به اروپا نقل مکان کردند. او رکورد لالیگا را برای جوان‌ترین بازیکنی که در لیگ بازی می‌کند، شکست، هم‌چنین جوان‌ترین گلزن رقابت‌های لیگ شد.

مسی با ۶ گل بهترین گلزن جام جهانی جوانان در سال ۲۰۰۵ شد که دوای آن‌ها در مسابقه فینال به ثمر رسید. او طی مدت کوتاهی به عنوان عضو اصلی و ثابت تیم ملی آرژانتین تبدیل شد. در سال ۲۰۰۶، او جوان‌ترین بازیکن آرژانتینی بود که در جام جهانی فیفا بازی کرد و سال بعد از آن برنده مدال نقره رقابت‌های کوبای آمریکا شد. در ۲۰۰۸ بکن، او اولین افتخار بین‌المللی خود را که مدال طلای المپیک بود، به همراه تیم ملی فوتبال المپیک آرژانتین کسب کرد.

۵۰- چرا مسی تیم جوانان روساریو نیو آلد بویز را رها کرد؟

Because Barcelona offered treatment for his growth hormone deficiency.

۵۱- چه تعداد رکوردهای بین‌المللی را شکست؟

He has broken two world records.

۵۲- مسی مدال نقره را در سال ۲۰۰۷ به دست آورد.

۵۳- (T) به جز گل‌های مسابقه فینال، مسی ۴ گل در مسابقات قهرمانی جوانان جهان به ثمر رساند.

۵۴- (F) استعداد مسی برای اولین بار توسط بارسلونا شناخته شد.

۳۲- **been washed** «چه تعداد پیراهن توسط او شسته شده است؟»

از آن جایی که فاعل این عبارت در جایگاه خود به کار نرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که عبارت پیش رو مجهول است و زمان آن ماضی نقلی است؛ پس فعل **to be** مورد نیاز **been** است و فعل بعد از آن به شکل **p.p.** به کار برده می‌شود.

H: جمله زیر را به مجهول تبدیل کنید.

The thief has been caught by the police. ۳۳-

«سارق توسط پلیس دستگیر شده است.»

برای مجهول کردن این عبارت ابتدا فاعل عبارت (the police) را کنار می‌گذاریم، سپس مفعول عبارت معلوم (the thief) را به ابتدای جمله مجهول می‌آوریم. شکل سوم فعل **to be** در جملات ماضی نقلی **been** است و پس از آن شکل سوم فعل عبارت اصلی (caught) را به کار می‌بریم.

I: کلمات را مرتب کنید.

Has this film been shown several times before? ۳۴-

«آیا این فیلم قبلاً چندین بار پخش شده است؟»

My sister went to the supermarket, but she didn't buy anything. ۳۵-

«خواهر من به سوپرمارکت رفت، اما چیزی نخرید.»

I: به تصاویر نگاه کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

۳۶- «ماشین کجا پارک می‌شود؟»

The car is parked in front of the house.

«ماشین جلوی خانه پارک می‌شود.»

۳۷- «چه زبانی در این کشور صحبت می‌شود؟»

Spanish is spoken in Spain.

«اسپانیایی در اسپانیا صحبت می‌شود.»

K: جملات داده شده را ترکیب کنید و یک جمله مرکب در هر بخش بنویسید.

۳۸-

Sara didn't invite me to her wedding ceremony, so I didn't go there.

«سارا من را به جشن عروسی‌اش دعوت نکرد، به همین علت من به آنجا نرفتم.»

Jack draws very well, but his handwriting is terrible. ۳۹-

«جک خیلی خوب نقاشی می‌کند، ولی دست خط او افتضاح است.»

L: جملات زیر را با **tag question**‌های مناسب کامل کنید.

۴۰- **does she?** به دلیل واژه **never** بار جمله اصلی منفی است. از طرف دیگر زمان آن حال ساده و فاعل سوم شخص مفرد است. به همین دلیل **does she** عبارت صحیح است.

۴۱- **aren't I?** ساختار جمله، خبری مثبت و زمان آن حال ساده است. از آن جایی که فعل جمله اصلی **am** است و نمی‌توانیم در **tag question** منفی آن را به شکل مخفف به کار ببریم، به همین دلیل **aren't I** پاسخ صحیح است.

M: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

۴۲- گزینه ۲ **was invented** «آیا می‌دانید که پودر تفنگ (باروت) کجا اختراع شد؟»

در صورت سؤال اشاره‌ای به فرد مخترع باروت نمی‌کند و زمان جمله نیز گذشته ساده است، در نتیجه شکل مجهول گذشته ساده «**was invented**» است.

۴۳- گزینه ۳ **didn't he** «او به شدت به خودش آسیب رساند، مگر نه؟»

ساختار جمله، خبری مثبت است. فعل عبارت اصلی **hurt** است که شکل گذشته و حال آن یکی است. برای تشخیص زمان این جمله از آن جایی که فاعل جمله، سوم شخص مفرد است، اگر زمان آن حال بود، باید به فعل اصلی «**S**» سوم شخص اضافه می‌شد؛ پس تنها وقتی که زمان جمله گذشته است، به فعل «**S**» سوم شخص اضافه نمی‌کنیم، در نتیجه زمان جمله، گذشته ساده و **tag question** آن **didn't he** است.

پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای

- ۱- گزینه ۲ «در انگلستان خیلی از مغازه‌ها حدود ساعت ۱۰ شب تعطیل می‌شوند.»
در این سؤال مغازه‌ها انجام‌دهنده عملی نیستند بلکه عملی بر روی آن‌ها، که تعطیل شدن است، صورت پذیرفته است، در نتیجه جمله ما مجهول است و فعل to be باید به همراه شکل سوم فعل به کار برده شود. به همین دلیل گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۲- گزینه ۳ «من به جشن عروسی دعوت شده‌ام، مگر نه؟»
در جای خالی نیاز به یک tag question داریم. از آن جایی که «فعل عبارت» am است، پس tag question باید منفی باشد. از سوی دیگر به خاطر آن که tag منفی باید به صورت مخفف باشد و در زبان انگلیسی amn't وجود ندارد، به همین دلیل باید از aren't I در گزینه (۳) استفاده کنیم.
- ۳- گزینه ۲ «ما می‌خواستیم خانمان را عوض کنیم، ولی متأسفانه به اندازه کافی پول نداشتیم.»
برای متصل کردن دو جمله به یکدیگر نیاز به حروف ربط داریم. از آن جایی که دو عبارتی که به یکدیگر متصل شده‌اند در تضاد با یکدیگر هستند، پس به یک حرف ربط بیان‌کننده تضاد نیازمندیم که در بین گزینه‌ها but دارای چنین شرایطی است. در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۴- گزینه ۲ «جلسه سالانه تا پایان ماه سپتامبر به تعویق افتاده است.»
در جایگاه فاعل عبارت فوق، جلسه سالانه قرار گرفته که انجام‌دهنده عملی نیست، بلکه عملی بر روی آن صورت گرفته؛ در نتیجه عبارت پیش رو مجهول است و گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۵- گزینه ۱ «شما برای تعطیلات به سفر دریایی گران در اقیانوس آرام رفتید، مگر نه؟»
زمان عبارت اصلی گذشته ساده است و ساختار جمله، خبری مثبت، در نتیجه نیاز به شکل منفی فعل گذشته در tag question داریم. از طرف دیگر به خاطر آن که فعل جمله جزو افعال اصلی و گذشته است، در نتیجه نیاز به فعل کمکی didn't داریم. پس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.
- ۶- گزینه ۲ «بیش از یک میلیون دلار به صورت نقد از بانک شهر به سرقت رفته است.»
عبارت فوق هیچ اشاره‌ای به این که چه کسی پول را به سرقت برده است، نمی‌کند؛ در نتیجه جمله، مجهول است و تنها گزینه مجهول گزینه (۲) است.
- ۷- گزینه ۱ «پلیس تعدادی از مردمی که در پایتخت فرانسه، پاریس، دست به تظاهرات زده بودند را دستگیر کرد.»
انجام‌دهنده عمل در این عبارت یعنی کسانی که افراد را دستگیر کرده‌اند، پلیس‌ها هستند که در جایگاه فاعل به کار برده شده‌اند؛ در نتیجه عبارت ما معلوم است و گزینه (۱) پاسخ صحیح می‌باشد.
- ۸- گزینه ۲ «قهوه او خیلی داغ بود، بنابراین مقداری شیر خنک در آن ریخت.»
با یک جمله مرکب روبرو هستیم که جمله دوم نتیجه‌ای است که در پی جمله اول به دست آمده است. به همین سبب گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۹- گزینه ۴ «اسم مستعار من در محل کار «سی‌جی» است، مگر نه؟»
در جای خالی نیاز به tag question داریم. ساختار جمله مثبت، زمان آن حال و فعل آن is است. از طرف دیگر فاعل جمله در صورت ضمیری it است. به همین دلیل گزینه (۴) پاسخ صحیح است.
- ۱۰- گزینه ۲ «مردم چگونه قبل از اختراع تلفن از فواصل دور با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند؟»
در این سؤال دو بخش وجود دارد. بخش اول یک عبارت معلوم است که به شکل سؤال مطرح شده ولی بخش دوم یک عبارت مجهول است. به خاطر این که فقط اشاره به زمان رخ دادن عمل شده «پیش از اختراع تلفن» و نامی از مخترع تلفن برده نشده؛ در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۱۱- گزینه ۱ «آن آهنگ قدیمی غربی خیلی توی رادیو پخش نمی‌شود، مگر نه؟»
در این تست tag question داده شده و براساس آن شما باید فعل اصلی را تشخیص دهید. همان طوری که می‌بینید ساختار tag مثبت است، به همین سبب عبارت اصلی باید منفی باشد. همچنین فعل به کار برده شده is است؛ در نتیجه همان فعل اصلی عبارت است. پس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.
- ۱۲- گزینه ۳ «هر ساله جوایزی به بهترین معلم‌ها و دانش‌آموزان اعطا می‌شود.»
در صورت جمله اشاره‌ای به آن که چه کسی جایزه را می‌دهد، نمی‌کند؛ در نتیجه ساختار جمله مجهول است. پس گزینه‌های (۲ و ۳) می‌توانند درست باشند اما از آن جایی که گفته شده هر ساله این عمل رخ می‌دهد، زمان جمله باید حال ساده باشد، پس گزینه (۳) پاسخ صحیح است.
- ۱۳- گزینه ۴ «پلیس بارها صحنه جرم را بررسی کرد، ولی هیچ مدرکی پیدا نکرد.»
عبارت فوق یک جمله مرکب است که از ترکیب دو جمله به دست آمده. جمله دوم در تضاد با جمله اول است، به همین سبب باید از حرف ربط بیان تضاد یعنی but استفاده کرد. پس گزینه (۴) پاسخ صحیح است.
- ۱۴- گزینه ۱ «هزینه نفت در سال‌های اخیر خیلی افت نکرده است، مگر نه؟»
ساختار جمله منفی است و زمان آن present perfect. از طرف دیگر فاعل جمله، سوم شخص مفرد است، در نتیجه گزینه (۱) پاسخ صحیح است.
- ۱۵- گزینه ۴ «هشت صندلی دست‌ساز زیبا دور آن میز قدیمی است، مگر نه؟»
زمان جمله، حال ساده است و فعل آن are؛ ساختار جمله خبری است و فاعل جمله ضمیر اشاره there است. از همین روی گزینه (۴) پاسخ صحیح است.
- ۱۶- گزینه ۲ «هیچ اثری از پائولین بعد از تصادفش در تابستان گذشته دیده نشده است.»
در صورت سؤال اشاره‌ای نمی‌کند که چه کسی پائولین را ندیده است، تنها خبر از دیده نشدن پائولین می‌دهد. از سوی دیگر به واسطه آن که در جایگاه فاعل nothing به کار برده شده فعلی که در پی آن به کار می‌رود، باید سوم شخص مفرد باشد. پس گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۱۷- گزینه ۳ «می‌توانیم برویم کوه یا می‌توانیم به اسب‌سواری برویم، هر کدام که شما ترجیح می‌دهید.»
عبارت فوق که یک جمله مرکب است، دو گزینه را پیش روی فاعل قرار می‌دهد، در نتیجه حرف ربط or پاسخ صحیح است.
- ۱۸- گزینه ۱ «تا به الان هیچ تصمیمی برای آینده کارخانه ماشین‌سازی گرفته نشده است.»
هیچ اشاره‌ای نسبت به آن که چه کسی تصمیم‌گیری نکرده، نشده است. در نتیجه عبارت فوق مجهول است. از طرف دیگر up to now که به معنای «تا به الان» است نشانگر زمان ماضی نقلی است. پس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

- ۱- گزینه ۲ «در انگلستان خیلی از مغازه‌ها حدود ساعت ۱۰ شب تعطیل می‌شوند.»
در این سؤال مغازه‌ها انجام‌دهنده عملی نیستند بلکه عملی بر روی آن‌ها، که تعطیل شدن است، صورت پذیرفته است، در نتیجه جمله ما مجهول است و فعل to be باید به همراه شکل سوم فعل به کار برده شود. به همین دلیل گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۲- گزینه ۳ «من به جشن عروسی دعوت شده‌ام، مگر نه؟»
در جای خالی نیاز به یک tag question داریم. از آن جایی که «فعل عبارت» am است، پس tag question باید منفی باشد. از سوی دیگر به خاطر آن که tag منفی باید به صورت مخفف باشد و در زبان انگلیسی amn't وجود ندارد، به همین دلیل باید از aren't I در گزینه (۳) استفاده کنیم.
- ۳- گزینه ۲ «ما می‌خواستیم خانمان را عوض کنیم، ولی متأسفانه به اندازه کافی پول نداشتیم.»
برای متصل کردن دو جمله به یکدیگر نیاز به حروف ربط داریم. از آن جایی که دو عبارتی که به یکدیگر متصل شده‌اند در تضاد با یکدیگر هستند، پس به یک حرف ربط بیان‌کننده تضاد نیازمندیم که در بین گزینه‌ها but دارای چنین شرایطی است. در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۴- گزینه ۲ «جلسه سالانه تا پایان ماه سپتامبر به تعویق افتاده است.»
در جایگاه فاعل عبارت فوق، جلسه سالانه قرار گرفته که انجام‌دهنده عملی نیست، بلکه عملی بر روی آن صورت گرفته؛ در نتیجه عبارت پیش رو مجهول است و گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۵- گزینه ۱ «شما برای تعطیلات به سفر دریایی گران در اقیانوس آرام رفتید، مگر نه؟»
زمان عبارت اصلی گذشته ساده است و ساختار جمله، خبری مثبت، در نتیجه نیاز به شکل منفی فعل گذشته در tag question داریم. از طرف دیگر به خاطر آن که فعل جمله جزو افعال اصلی و گذشته است، در نتیجه نیاز به فعل کمکی didn't داریم. پس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.
- ۶- گزینه ۲ «بیش از یک میلیون دلار به صورت نقد از بانک شهر به سرقت رفته است.»
عبارت فوق هیچ اشاره‌ای به این که چه کسی پول را به سرقت برده است، نمی‌کند؛ در نتیجه جمله، مجهول است و تنها گزینه مجهول گزینه (۲) است.
- ۷- گزینه ۱ «پلیس تعدادی از مردمی که در پایتخت فرانسه، پاریس، دست به تظاهرات زده بودند را دستگیر کرد.»
انجام‌دهنده عمل در این عبارت یعنی کسانی که افراد را دستگیر کرده‌اند، پلیس‌ها هستند که در جایگاه فاعل به کار برده شده‌اند؛ در نتیجه عبارت ما معلوم است و گزینه (۱) پاسخ صحیح می‌باشد.
- ۸- گزینه ۲ «قهوه او خیلی داغ بود، بنابراین مقداری شیر خنک در آن ریخت.»
با یک جمله مرکب روبرو هستیم که جمله دوم نتیجه‌ای است که در پی جمله اول به دست آمده است. به همین سبب گزینه (۲) پاسخ صحیح است.
- ۹- گزینه ۴ «اسم مستعار من در محل کار «سی‌جی» است، مگر نه؟»
در جای خالی نیاز به tag question داریم. ساختار جمله مثبت، زمان آن حال و فعل آن is است. از طرف دیگر فاعل جمله در صورت ضمیری it است. به همین دلیل گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۸- **گزینه ۴** «حداقل سن ازدواج از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش یافته است.»
در این جمله اشاره‌ای نشده که چه کسی سن ازدواج را بالا برده است، در نتیجه عبارت فوق مجهول است، از طرف دیگر این عمل در گذشته نامشخص انجام شده است پس زمان آن ماضی نقلی و گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۹- **گزینه ۴** «اخبار به هیچ کسی گفته نشده است، مگر نه؟»
نکات ظریفی در این تست وجود دارد. اول آن که بعد از «s» شکل سوم فعل to be به کار برده شد؛ در نتیجه «s» نشانگر وجود فعل کمکی has است. نکته دوم این است که هرگاه بخواهیم ضمیری به جای nobody که از ضمائر نامعین است به کار ببریم، آن ضمیر باید سوم شخص جمع باشد. نکته آخر آن که nobody بار منفی به جمله ما می‌دهد، در نتیجه tag آن باید مثبت باشد. با در نظر گرفتن تمامی موارد فوق، گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۳۰- **گزینه ۳** «جیسون نمی‌دانست که آیا دوچرخه‌اش تعمیر شده یا این که باید تا مدرسه پیاده برود.»

نکته دسته‌ای از حروف ربط با عنوان حروف ربط ۲ تایی وجود دارند.

یکی از این حروف دوتایی ... or ... whether است که به معنای آن «یا ... یا ...» می‌باشد، چون تنها حرفی که به همراه whether می‌آید or است، پس گزینه صحیح (۳) است.

۳۱- **گزینه ۱** «زمان زیادی از وقتی که مادر بزرگت را دیده‌ای می‌گذرد، مگر نه؟»

ساختار جمله، خبری مثبت و زمان آن ماضی نقلی است و با توجه به فاعل جمله اصلی از ضمیر فاعلی it استفاده می‌کنیم پس گزینه (۱) صحیح است.

۳۲- **گزینه ۳** «جلسات زیادی برگزار شده اما هنوز هیچ تصمیمی گرفته نشده است.»

در صورت جمله اشاره‌ای به آن که چه کسی جلسات را برگزار کرده، نشده پس جمله مجهول است. از طرف دیگر وجود yet بیانگر زمان ماضی نقلی است؛ پس گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

۳۳- **گزینه ۳** «کل دیروز باران شدیدی می‌بارید، مگر نه؟»
ساختار جمله خبری مثبت، فعل اصلی آن (rained) و زمان آن گذشته ساده است، در نتیجه پاسخ صحیح گزینه (۳) است.

۳۴- **گزینه ۳** «هوا بهتر نخواهد شد اگر ما همین جا بنشینیم و از پنجره بیرون را نگاه کنیم، مگر نه؟»

گفتیم در جملات شرطی، Tag Question برای جمله نتیجه شرط به کار می‌رود. وجود won't در جمله نتیجه شرط، بیانگر منفی بودن ساختار جمله و زمان آینده آن است، در نتیجه گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

۳۵- **گزینه ۴** «وقتی مردم دستگیر می‌شوند، آن‌ها به پاسگاه پلیس برده می‌شوند.»

در هر دو بخش به انجام‌دهنده عمل اشاره‌ای نمی‌شود، پس هر دو عبارت مجهول هستند، در نتیجه گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۳۶- **گزینه ۲** «یک نفر راز را به شما گفته است، مگر نه؟»
ساختار جمله، خبری مثبت است و زمان آن گذشته و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در صورتی که بخواهیم به جای ضمائر نامعین ضمیر فاعلی به کار ببریم باید به شکل سوم شخص جمع باشد؛ در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.

۳۷- **گزینه ۱** «کارمندان این مسئله را در طی جلسه مطرح کردند.»
«این مسئله در طی جلسه توسط کارمندان مطرح شد.»

برای تبدیل جمله معلوم به مجهول ابتدا باید فاعل جمله کنار گذاشته شود، سپس مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله مجهول انتقال می‌دهیم، از آن جایی

۱۹- **گزینه ۴** «برایان هیچ وقت آخر هفته‌ها قبل از ساعت ۱۱ نمی‌خوابد، مگر نه؟»

علی‌رغم آن که ظاهر جمله خبری است اما محتوای آن منفی است، زمان جمله حال ساده و مفعول آن سوم شخص مفرد است. براساس همین دلایل گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۰- **گزینه ۲** «او به خاطر آن که از صندلی افتاده و به پایش آسیب رسیده نمی‌تواند راه برود، بنابراین زمان زیادی برای مطالعه کردن دارد.»

این جمله مرکب از ۳ جمله کوچک‌تر تشکیل شده است. جمله دوم اطلاعات بیشتری از جنس جمله اول می‌دهد؛ پس نیاز به حرف ربط and داریم. از روی دیگر جمله سوم نتیجه‌گیری از دو جمله اول می‌کند. به همین خاطر نیاز به حرف ربط so داریم، در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.

۲۱- **گزینه ۴** «کلیسای قدیمی داخل جنگل در نزدیکی رودخانه واقع شده است. مطمئن هستم که به راحتی می‌توانی آن را پیدا کنی.»

واقع شدن کلیسا در جنگل نشانگر یک عبارت مجهول است. از سوی دیگر قراردادن کلیسا در جنگل یک قضیه همواره ثابت است، پس زمان آن عبارت، حال ساده است؛ پس گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۲- **گزینه ۴** «ما زود به استادیوم رسیدیم، به همین سبب توانستیم صندلی‌های خوبی برای مسابقه بگیریم.»

عبارت فوق یک جمله مرکب است که جمله دوم نتیجه جمله اول است، به همین دلیل گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۳- **گزینه ۳** «تعداد زیادی از مردم در باغ منتظر هستند، مگر نه؟»
ساختار جمله مثبت است و فعل آن are، فاعل جمله ضمیر there است. از همین روی گزینه (۳) صحیح است.

۲۴- **گزینه ۱** «او در جنگل تک و تنها بود و روشنایی روز در حال محوشدن بود، ولی اصلاً نمی‌ترسید.»

جمله مرکب فوق سه قسمت دارد. دو جمله اول در یک راستا هستند و جمله دوم مطالب بیشتری درباره جمله اول می‌دهد؛ پس حرف ربط and رابط این دو جمله می‌شود، اما جمله سوم مطلبی را مطرح می‌کند که در تضاد جملات قبلی است؛ در نتیجه حرف ربط but این رابطه را برقرار می‌کند. بر همین اساس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۲۵- **گزینه ۴** «امروزه پول زیادی صرف خرید سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود.»

در جمله گفته نمی‌شود که چه کسی هزینه زیادی صرف خرید سلاح کشتار جمعی می‌کند، در نتیجه این عبارت مجهول است؛ پس یکی از دو گزینه (۲) و (۴) صحیح است. از جهت دیگر money یک اسم غیرقابل شمارش است، در نتیجه فعلی که برای آن به کار برده می‌شود is است. پس گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۶- **گزینه ۴** «مادرت اجازه می‌داد که بیرون بروی و با دوستان بازی کنی، مگر نه؟»

ساختار جمله مثبت و فاعل آن سوم شخص مفرد است. حال برای تشخیص زمان جمله باید به فعل آن نگاهی بیندازیم. فعل عبارت ما let است و شکل حال و گذشته آن یکی است. اما نکته مهم این‌جاست که به واسطه فاعل سوم شخص مفرد، فعل اصلی در صورتی که زمان آن حال ساده باشد باید «s» سوم شخص بگیرد که عدم وجود آن بیانگر این مطلب است که زمان جمله گذشته ساده است؛ در نتیجه گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۲۷- **گزینه ۴** «زندگی در صد سال آینده متفاوت خواهد بود، مگر نه؟»
tag question عبارت فوق منفی و زمان آن آینده است، در نتیجه فعل عبارت اصلی باید به شکل مثبت و آینده باشد، پس پاسخ صحیح گزینه (۴) است.

که نایب فاعل سوم شخص مفرد است و زمان جمله ماضی نقلی، has been شکل صحیح فعل to be در جمله است و شکل سوم فعل را بعد از آن به کار می‌بریم. برای تأکید بر آن که چه کسی عمل را انجام داده حرف اضافه by را به کار برده و فاعل کنار گذاشته شده را پس از آن به کار می‌بریم. بر همین اساس گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۳۸- گزینه ۳ «دیوید اوقات خوبی را در مادرید داشت، مگر نه؟»

ساختار جمله، خبری مثبت و زمان آن گذشته ساده است، از طرف دیگر همیشه فاعل عبارات tag question باید به شکل ضمیر باشد، به همین دلیل گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

۳۹- گزینه ۲ «ما جلسه را تا پایان ماه به تعویق انداخته‌ایم.»

در جمله فوق فاعل جمله مشخص است، پس عبارت معلوم است و تنها گزینه معلوم درست، گزینه (۲) می‌باشد.

۴۰- گزینه ۲ «الان می‌توانیم بیرون برویم؛ خطر رفع شده است، مگر نه؟»
زمان جمله حال، فعل آن is فاعل آن it و ساختار آن خبری مثبت است، در نتیجه گزینه (۲) پاسخ صحیح است.

۴۱- گزینه ۳ «قیمت سوخت افزایش پیدا کرد، بنابراین ما به ماشین‌های کوچک‌تر و با مصرف بهینه سوخت نیاز داریم.»

عبارت فوق جمله مرکب است و جمله دوم نتیجه‌گیری از جمله اول است، در نتیجه حرف ربط so رابط دو جمله است و گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

۴۲- گزینه ۱ «آن طلا در داخل غاری نزدیک قلّه کوه پیدا شد.»

فاعل جمله مشخص نیست، در نتیجه جمله موردنظر مجهول است و تنها گزینه مجهول (۱) می‌باشد.

۴۳- گزینه ۴ «تو هیچ پولی نداری که به من قرض دهی، مگر نه؟»

ساختار جمله منفی است و زمان آن حال ساده، فعل به کار برده شده جزو افعال اصلی است. با در نظر گرفتن تمامی موارد ذکر شده، گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

۴۴- گزینه ۱ «همه آماده هستند که هم‌اکنون بروند، مگر نه؟»

ساختار جمله، خبری مثبت و فاعل آن ضمیر نامعین everyone است. در نتیجه گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۴۵- گزینه ۱ «دزدها حدود دو میلیون دلار را به صورت نقد از بانک اروپای غربی برلین به سرقت بردند.»

در این جا فاعل جمله مشخص است، پس جمله معلوم است (گزینه‌های ۱ و ۳). همچنین به دلیل آن که زمان جمله گذشته ساده است، گزینه (۱) صحیح است.

۴۶- گزینه ۱ «چقدر تأسف برانگیز که ما چنین مرد بزرگی را از دست دادیم.»

(۱) تأسف (۲) تلاش

(۳) میراث (۴) ملاحظه، توجه، احترام

۴۷- گزینه ۲ «من اتمت دارم که ما درمان سرطان را در ده سال آینده کشف خواهیم کرد.»

(۱) رفتار (۲) درمان (۳) حس (۴) نقش

۴۸- گزینه ۳ «این بنای یادبود وقف سربازانی شده که جانشان را برای کشورشان داده‌اند.»

(۱) جایگزین کردن (۲) شرکت کردن (۳) وقف کردن (۴) اهمیت دادن

۴۹- گزینه ۲ «او به سختی کار می‌کند و سزاوار کمی وقت مفید برای استراحت کردن است.»

(۱) ارتقا دادن (۲) شایستگی داشتن، سزاوار بودن

(۳) ترکیب کردن (۴) مطلع کردن

۵۰- گزینه ۱ «شکست شرکت نتیجه مستقیم مدیریت بد بود.»

(۱) شکست (۲) نویسنده (۳) هویت (۴) راه‌حل

۵۱- گزینه ۴ «امسال هم مردم زیادی در برابر آنفلوآنزا واکسینه شدند.»

(۱) عملکرد (۲) دفترچه خاطرات

(۳) (روی) ران یا (۴) آنفلوآنزا

۵۲- گزینه ۳ «مدرسه مایل است از تمام دانش‌آموزان و اولیایشان که با کمک‌هایشان بسیار دست‌ودل‌باز بودند، تشکر کند.»

(۱) (دستور زبان) مجهول (۲) مناسب

(۳) دست‌ودل‌باز (۴) مناسب

۵۳- گزینه ۲ «زندگی درست مثل یک نقاشی است. چیزهای بسیار زیادی آن را با معنا و رنگارنگ می‌کنند.»

(۱) مشابه (۲) با معنا (۳) ساکت (۴) بی‌شمار

۵۴- گزینه ۲ «به خاطر نرخ تبادل ارز، امسال تابستان از پس مخارج خارج (از کشور) رفتن بر نمی‌آییم.»

نکته هم‌آیند واژه abroad کلمه go است. (خارج از کشور رفتن:

go abroad)

۵۵- گزینه ۴ «شما نباید مقدار زیادی از اطلاعات شخصی‌ات را بر روی شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارید.»

(۱) تأسیس کردن (۲) شایستگی داشتن

(۳) حفاظت کردن از (۴) به اشتراک گذاشتن

۵۶- گزینه ۲ «من می‌خواهم شما بدانید که از هیچ کاری برای حمایت از شما در هر زمان و هر مکانی دریغ نخواهیم کرد.»

(۱) زیر گریه زدن (۲) از هیچ کاری مضایقه نکردن

(۳) استراحت کردن (۴) مراقبت کردن

۵۷- گزینه ۴ «همیشه باید بدانی که بهترین عشق، عشق بی‌قید و شرط به دیگران است.»

(۱) مؤدبانه (۲) به ندرت (۳) به طور جالبی (۴) بی‌قید و شرط

۵۸- گزینه ۱ «او در تلاش اولش در آزمون ورودی موفق نشد، ولی دفعه دوم موفق شد.»

(۱) تلاش (۲) پروژه (۳) ارزش (۴) عنوان

۵۹- گزینه ۲ «زمانی که داشتم فیلم را نگاه می‌کردم، خانم جوانی که در سالن سینما کنارم نشسته بود، ناگهان زد زیر گریه.»

(۱) از هیچ کاری مضایقه نکردن (۲) زیر گریه زدن

(۳) مراقبت کردن از (۴) به دنیا آمدن

۶۰- گزینه ۴ «بعد از مصرف دارو دیگر هیچ دردی را احساس نکردم.»

(۱) رسیدن (۲) گرفتن (۳) رسیدن (۴) احساس کردن

نکته feel no pain یک هم‌آیند است.

۶۱- گزینه ۲ «بالأخره، برد یک بر صفر بهانه‌ای داد برای آن که طرفداران ایران فریاد بکشند.»

(۱) کشف کردن (۲) فریاد زدن (۳) استخراج کردن (۴) بافتن

۶۲- گزینه ۱ «کاناپه قدیمی ایتالیایی از جدید بزرگ‌تر بود؛ بنابراین باید بقیه میلمان رو جابه‌جا می‌کردند.»

(۱) کاناپه (۲) ابزار (۳) لامپ (۴) قرص

۷۵- گزینه ۱ «این خوب نیست که هر کاری برای پول درآوردن انجام دهی شما باید یک سری اصول اخلاقی داشته باشی.»

- (۱) درست کردن (۲) گرفتن، مبتلا شدن
(۳) ساختن (۴) شمردن

نکته ترکیب make money به معنای «پول درآوردن» یک هم‌آیند است.

۷۶- گزینه ۲ «مدیر از من پرسید، «چه میزان وقت و انرژی بر روی پروژه‌ها صرف می‌کنی که هیچ پولی در نمی‌آوری؟»

- (۱) متن‌ها (۲) پروژه‌ها (۳) ضمایر (۴) شاعران

۷۷- گزینه ۳ «زمانی که سخنرانی می‌کنید، کلمات مناسب ممکن است تأثیرگذار باشند، اما بعضی مواقع هیچ کلمه‌ای به اندازه یک مکث به موقع تأثیرگذار نیست.»

- (۱) اشتباه (۲) کمبود (۳) مکث (۴) آغازگر

۷۸- گزینه ۴ «بعد از زمان استراحت، معلم از ما درخواست کرد که به نوبت جلوی کلاس بایستیم و چیزی را با صدای بلند بخوانیم.»

- (۱) به طور ناگهانی (۲) مؤدبانه

- (۳) خارج (۴) با صدای بلند

۷۹- گزینه ۱ «جنیفر یک پروژه هنری برای دانش‌آموزانش تعریف کرد که به موجب آن، آن‌ها می‌بایست یک شیء زینتی را طراحی و می‌ساختند.»

- (۱) به موجب آن (۲) بدون قیدوشرط

- (۳) در، داخل (۴) به طور ناگهانی

۸۰- گزینه ۲ «فرایند ثبت رأی بسیار پیچیده است. کارهای زیادی باید انجام شود تا آن را ساده کند.»

- (۱) هم‌آیند (۲) فرایند (۳) میراث (۴) جامعه

۸۱- گزینه ۱ «این پرسش‌نامه کم که به اندازه‌گیری میزان آلودگی هوا و کیفیت و کمیت آب آشامیدنی می‌کند.»

- (۱) کمیت (۲) الهام (۳) دارو (۴) تضاد

۸۲- گزینه ۳ «در بازار خیابانی خانی بود که گیاهان دارویی تازه و خشک به همراه کی‌های کتلی که در مورد استفاده از گیاهان نوشته بود، برای فروش می‌آورد.»

- (۱) شامل (۲) به موجب آن

- (۳) به همراه (۴) در، داخل

۸۳- گزینه ۴ «آتش به خاطر باد شدید به سرعت گسترش پیدا کرد.»

- (۱) سنگین (۲) سخت (۳) سریع (۴) شدید

نکته strong wind یک هم‌آیند است.

۸۴- گزینه ۲ «ما توافق کرده بودیم که سود را به طور مساوی تقسیم کنیم.»

- (۱) الهام (۲) توافق (۳) اخلاقیات (۴) برکت

۸۵- گزینه ۳ «بهترین استراتژی برای آن که در دردمس نیفتید، شاید این باشد که از مشکلات دوری کنید.»

- (۱) اشاره (۲) آزمایش

- (۳) استراتژی، راهبرد (۴) شکست

۸۶- گزینه ۱ «این روزها، طوفان‌های شن در قسمت‌های جنوبی ایران رایج است.»

- (۱) رایج (۲) مشغول

- (۳) (دستور) مجهول (۴) بومی

۶۳- گزینه ۴ «تازه عروس و داماد در پایان جشن عروسی‌شان کبوترهای سفیدی را رها کردند.»

- (۱) طولی‌ها (۲) بچه خاله، دایی، عمه یا عمو

- (۳) اشک‌ها (۴) کبوترها

۶۴- گزینه ۲ «ما باید به او کمک کنیم؛ برای یک مادر مجرد خیلی سخت است که به پنج بچه به تنهایی غذا دهد.»

- (۱) تعمیرکردن (۲) غذا دادن (۳) تولیدکردن (۴) ارجاع دادن

۶۵- گزینه ۴ «هر زمان که به شهرهای بزرگ سفر می‌کنم، مطمئن می‌شوم که کیفم را خیلی سفت بغل کنم.»

- (۱) خلق کردن (۲) نصب کردن (۳) رسیدگی کردن (۴) بغل کردن

۶۶- گزینه ۴ «همه اشتباه می‌کنند؛ به همین دلیل است که در انتهای مدادها پاک‌کن می‌گذارند.»

نکته make a mistake یک هم‌آیند است و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هر کدام از گزینه‌ها در موقعیت‌های متفاوت معانی گوناگونی دارند.

۶۷- گزینه ۱ «من و دوستم واقعاً هیجان‌زده هستیم، به خاطر آن که ما دفترچه خاطراتی که جینا تفکرات و رازهایش را می‌نوشت، پیدا کردیم.»

- (۱) دفترچه خاطرات (۲) نویسنده

- (۳) ستون (۴) اخلاقیات، اصول اخلاقی

۶۸- گزینه ۳ «بعضی مواقع چیزهای ساده‌ای مثل صدای رودخانه، گل‌های تازه داخل گلدان و بویی خوش می‌تواند یک دنیا تغییرات ایجاد کند.»

- (۱) فن شاعری، شعر (۲) فر، اجاق‌گاز

- (۳) گلدان (۴) یخچال

۶۹- گزینه ۲ «سوزان واقعاً عصبانی است و من فکر می‌کنم او هیچ‌گاه دوستانش را به خاطر کارهای وحشتناکی که با او کردند، نمی‌بخشد.»

- (۱) فریادزدن (۲) بخشیدن (۳) متصل شدن (۴) تقویت کردن

۷۰- گزینه ۴ «نمی‌دانستم که شغل جدیدم شرکت در جلسات و گزارش دادن به هیئت‌مدیره است.»

- (۱) مطلع کردن (۲) فراهم کردن (۳) شامل شدن (۴) شرکت کردن در

۷۱- گزینه ۱ «پلیس گزارش داد که به صورت مکرر به سینه او جاقو زده شده است.»

- (۱) به صورت مکرر (۲) حداقل (۳) امیدوارانه (۴) به ندرت

۷۲- گزینه ۲ «آتش‌نشان هر آن‌چه در توان داشت برای نجات کودکانی که در داخل ساختمان در حال سوختن به دام افتاده بودند، به کار گرفت.»

- (۱) شامل (۲) در، داخل (۳) به همراه (۴) به موجب آن

نکته within one's power یک هم‌آیند است.

۷۳- گزینه ۳ «ما باید ببینیم که آیا آن‌ها واقعاً لایق هستند که قهرمان خطاب شوند یا خیر!»

- (۱) مرکب (۲) جدی (۳) ارزشمند، لایق (۴) مذهبی

۷۴- گزینه ۳ «مادر واقعی‌اش قادر نبود که از او مراقبت کند، به همین خاطر او توسط خاله‌اش بزرگ شد.»

- (۱) شرکت کردن (۲) مطلبی که زیر آن خط کشیده شده

- (۳) مراقبت کردن از (۴) به خاطر سپردن

۸۷- **گزینۀ ۲** «ما واقعاً خسته‌ایم. الان کمی استراحت می‌کنیم و نیم‌ساعت دیگر دوباره شروع به کار خواهیم کرد.»

- (۱) ساختن
(۲) (استراحت) کردن
(۳) داشتن
(۴) گرفتن

نکته take a break به معنای «استراحت کردن» یک هم‌آیند است.

۸۸- **گزینۀ ۲** «بعضی مواقع توصیف کلامی چیزهایی مانند رنگ‌ها و صداها سخت است.»

- (۱) بیماری
(۲) توصیف
(۳) تحصیلات
(۴) احساسات
- ۸۹- **گزینۀ ۳** «روزنامه‌ها همیشه ما را نسبت به وقایعی که در سرتاسر دنیا در حال رخ دادن هستند، مطلع می‌کنند.»

- (۱) خاتمه‌یافته
(۲) خلق شده
(۳) مطلع
(۴) توسعه‌یافته

نکته keep informed به معنای «مطلع کردن» یک هم‌آیند است.

۹۰- **گزینۀ ۴** «غذای زیادی داخل یخچال است؛ بنابراین نیازی به رفتن به سوپرمارکت نیست.»

- (۱) ماشین ظرف‌شویی
(۲) سرزمین مادری
(۳) موقعیت
(۴) یخچال

۹۱- **گزینۀ ۲** «پلیس از ما خواست که آن‌ها را از هر گونه تغییر آدرس در کوتاه‌ترین زمان ممکن مطلع کنیم.»

- (۱) رسیدگی کردن
(۲) مطلع کردن
(۳) ترجمه کردن
(۴) بهبودبخشیدن

۹۲- **گزینۀ ۳** «من و همسرم داشتیم در امتداد خیابان قدم می‌زدیم؛ ناگهان یک دزد موبایل همسرم را قاپود و فرار کرد.»

- (۱) قدرت
(۲) مسئله، مشکل
(۳) دزد
(۴) سرطان

۹۳- **گزینۀ ۲** «پلیس می‌خواهد که از هر کسی در مورد الماس دزدیده‌شده اطلاعاتی کسب کند.»

- (۱) قانون‌گذاری شده
(۲) دزدیده‌شده
(۳) درمان شده
(۴) ارزش‌گذاری شده

۹۴- **گزینۀ ۱** «نام کاربری باید با یک حرف شروع شود، که بتوان به دنبال آن هر گونه ترکیبی از اعداد و حروف بیشتر آورد.»

- (۱) ترکیب
(۲) تفاوت
(۳) اصل
(۴) راه‌حل

۹۵- **گزینۀ ۳** «هر کارمند باید قول دهد که در راستای اهداف شرکت کار کند.»

- (۱) داشتن
(۲) بردن
(۳) (قول) دادن
(۴) رسیدن

نکته make a promise به معنای «قول دادن» یک هم‌آیند است.

۹۶- **گزینۀ ۳** «معلم‌مان از ما خواست تا با دقت به آن سؤالات نگاه کنیم و جواب‌هایمان را در ستون سمت راست بنویسیم.»

- (۱) گزینه
(۲) نکته
(۳) ستون
(۴) زمان (جمله)

۹۷- **گزینۀ ۴** «نویسنده مرد (بلاتکلیف) به نظر می‌آید که آیا مشغول نوشتن کمدی است یا تراژدی، به همین دلیل نمایش‌نامه یک چیزی بینابینی است.»

- (۱) پزشک
(۲) شاعر
(۳) خانم‌خانه‌دار
(۴) نویسنده

۹۸- **گزینۀ ۲** «در مناطق مختلف هندوستان، هندوها خدایان متفاوتی را پرستش می‌کنند؛ بنابراین شما می‌توانید مراسم مذهبی متفاوتی را مشاهده کنید.»

- (۱) دست‌و‌دل‌باز
(۲) مذهبی
(۳) اصلی
(۴) بومی

۹۹- **گزینۀ ۲** دکتر به او گفت: «اگر دست از سیگار کشیدن نکشی، ریسک مبتل شدن به سرطان ریه را در خود افزایش می‌دهی.»

- (۱) فشار
(۲) سرطان
(۳) قدرت
(۴) متن

۱۰۰- **گزینۀ ۱** «دوران کودکی و جوانی دونالد با کمک به خانواده‌اش در تجارت ناموفق ساخت‌وساز گذشت.»

- (۱) کودکی
(۲) راهنما، دستورالعمل
(۳) دما (درجه حرارت)
(۴) میراث

۱۰۱- **گزینۀ ۳** «نقاشی‌های او همواره برای من منبع الهام بوده است.»

- (۱) تولید، نسل
(۲) تنوع، گوناگونی
(۳) الهام
(۴) شرایط

۱۰۲- **گزینۀ ۱** «من فکر می‌کنم مردم باید با هم کار کنند تا راه‌حل مناسب برای حل مشکلاتشان پیدا کنند.»

- (۱) راه‌حل‌ها
(۲) نتایج
(۳) تجارب
(۴) محصولات

۱۰۳- **گزینۀ ۴** «این دستگاه‌های اخطار آتش‌نشانی هر ساله جان تعداد بی‌شماری از مردم را نجات می‌دهند و همهٔ خانه‌ها باید آن را داشته باشند.»

- (۱) مثبت
(۲) مناسب
(۳) وحشتناک
(۴) بی‌شمار
- ۱۰۴- **گزینۀ ۴** «نداشتن تحصیلات مناسب ممکن است باعث رد صلاحیت شما برای آن کار شود.»

- (۱) دزد
(۲) شروع‌کننده
(۳) تعلق، وابستگی
(۴) تحصیلات

۱۰۵- **گزینۀ ۲** «دلیل آن‌که مردم زود از تلاش کردن دست می‌کشند آن است که آن‌ها به جای مسافت طی‌شده به مسافتی که هنوز باید طی کنند، نگاه می‌کنند.»

- (۱) بهشت
(۲) دلیل
(۳) حس
(۴) افتخار

۱۰۶- **گزینۀ ۳** «او مثل یخ سرد است و پیغام را دریافت کرد بدون آن‌که هیچ احساسی از خود نشان دهد.»

- (۱) هم‌آیند
(۲) تنوع، گوناگونی
(۳) احساس
(۴) خلقت

۱۰۷- **گزینۀ ۲** «باران شدید تبدیل به سیل شدید در بعضی مناطق شد.»

- (۱) سریع
(۲) شدید
(۳) سریع
(۴) بزرگ

نکته heavy rain به معنای «باران شدید» یک هم‌آیند است.

۱۰۸- **گزینۀ ۱** «آلودگی تأثیر منفی بر روی همهٔ کسانی که در شهر زندگی می‌کنند، دارد؛ نیاز نیست که اشاره شود چه آسیبی به طبیعت می‌رساند.»

- (۱) اشاره کردن
(۲) علامت‌دادن
(۳) بافتن
(۴) تقسیم‌کردن، به اشتراک گذاشتن

۱۰۹- **گزینۀ ۴** «در مورد آیندهٔ رئیس‌جمهور پیشین ابهام زیادی وجود دارد.»

- (۱) مشکل، موضوع
(۲) اشتباه
(۳) دیپلم
(۴) ابهام، شک

۱۱۰- **گزینۀ ۱** «ما نمی‌توانیم به او اعتماد کنیم؛ به طور مثال، او در جلسهٔ مهم دیروز شرکت نکرد.»

- (۱) به طور مثال
(۲) راستی
(۳) در، داخل
(۴) به موجب آن

۱۱۱- **گزینۀ ۲** «دکتر به او گفت که شرایطش وخیم است و نیاز به جراحی دارد.»

- (۱) فکر
(۲) جامعه
(۳) شرایط
(۴) کمیت

۱۱۲- **گزینۀ ۲** «زمانی‌که کسی بخواهد از یک نرم‌افزار استفاده کند، آن‌ها باید تأیید کنند که تمامی شرایط و ضوابط آن برنامه را خوانده و متوجه شده‌اند.»

- (۱) استخراج کردن
(۲) تأیید کردن
(۳) رسیدگی کردن
(۴) دریافت کردن

۱۱۳- **گزینۀ ۱** «عمدتاً گلف به عنوان ورزش ثروتمندان به حساب می‌آید، در مقایسه با فوتبال که همه می‌توانند آن را بازی کنند.»

- (۱) تضاد، مقایسه
(۲) تمایل
(۳) ارزش
(۴) پاسخ

● در مقایسه با، در تضاد با: in contrast to

۱۲۸- گزینه ۲ «بعد از شنیدن آن خبر شوکه‌کننده، او واقعاً عصبانی بود، ولی موفق شد که با آرامش پاسخ دهد.»

۱۲۹- گزینه ۲ «دستورالعمل اول بسیار مهم است، نه تنها برای کم کردن وزن، بلکه برای کنترل آن.»

۱۳۰- گزینه ۴ «بانک، توانایی آن را دارد که تصویر کسی که از ماشین استفاده می‌کرده را ارائه دهد.»

۱۳۱- گزینه ۴ «ما قدر سلامتی خود را تا زمانی که از دستش ندهیم، نمی‌دانیم.»

نکته معنای blessing، «رحمت و برکت» است اما برخی مواقع کلمات براساس جمله معنا پیدا می‌کنند؛ بر همین اساس در این جمله blessing معنای «قدر و ارزش» را دارد.

۱۳۲- گزینه ۱ «اغلب مواقع، لباسی که مردم می‌پوشند، تعلق آن‌ها به یک طبقه اجتماعی خاص را نشان می‌دهد.»

۱۳۳- گزینه ۱ «این شهرهای زیبای قدیمی، بخشی از میراث ما هستند.»

۱۳۴- گزینه ۳ «من نامه‌ات را دوست داشتم به خاطر آن که با زبان دوستانه و عادی نوشته شده بود.»

۱۳۵- گزینه ۲ «حتی در این سرعت‌ها با میزان کمی از صدای جاده و باد، موتور بی‌صدا بود.»

۱) ترک کردن ۲) ساکت، بی‌صدا ۳) کاملاً ۴) سریع

cloze 1

احترام به افرادی که در اطراف ما زندگی می‌کنند، مخصوصاً بزرگ‌ترها، بسیار مهم است. اما چگونه می‌توانیم احترام خود را به آن‌ها نشان دهیم، یا (۱۳۶) چگونه می‌توانیم به آن‌ها احترام بگذاریم؟ راه‌های بسیار زیادی وجود دارد که به بزرگ‌ترها توسط جوان‌ترها احترام گذاشته شود (۱۳۷). یکی از آن‌ها صحبت کردن رسمی به جای استفاده از بعضی کلمات که مناسب (۱۳۸) نیستند، است. راه دیگر با دقت گوش دادن به آن‌ها است حتی اگر نظرشان در تضاد (۱۳۹) با نظر شماست. این گونه رفتارها نه تنها احترام ما را به نمایش می‌گذارد، بلکه نشانگر مهربانی (۱۴۰) ما است؛ بنابراین مردم هم در عوض با ما برخورد خوبی خواهند داشت.

۱۳۶- گزینه ۴ دو عبارتی که توسط حرف ربط با یکدیگر مرتبط شده‌اند دو گزینه قابل انتخاب هستند؛ بنابراین or گزینه مناسب است.

۱۳۷- گزینه ۱ عبارت، مجهول است، نایب‌فاعل جمع و زمان جمله حال ساده است؛ بنابراین گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۱۳۸- گزینه ۲ «امیدوار (۱) مناسب (۲) سپاسگزار (۳) عادی، معمولی (۴)»

۱۳۹- گزینه ۳ «اشاره (۱) توجه (۲) تضاد (۳) تلاش (۴)»

۱۴۰- گزینه ۲ «قلب (۱) مهربانی (۲) نکته (۳) گزینه (۴)»

۱۱۴- گزینه ۴ «شما باید از خود بپرسید که پرسش‌نامه قصد استخراج چه اطلاعاتی را از پاسخ‌دهنده دارد.»

۱۱۵- گزینه ۳ «آب‌وهوا در مناطق کوهستانی متغیرتر از هر ناحیه دیگری است.»

۱۱۶- گزینه ۲ «اولین قانون شطرنج این است که صفحه بازی طوری باید قرار بگیرد که مربع سفید در گوشه سمت راست باشد.»

۱۱۷- گزینه ۱ «دانشمندان به دنبال آن هستند که ماده مرکب شیمیایی جدیدی بسازند.»

۱) مرکب ۲) شکست ۳) دفترچه خاطرات ۴) تضاد

۱۱۸- گزینه ۳ «شاعر کسی است که می‌تواند کلمات معمولی را به یک نوشته بامعنا و تأثیرگذار تبدیل کند.»

۱۱۹- گزینه ۳ «رژیم‌های غذایی زمانی که با ورزش همراه شوند، بیشترین تأثیر را دارند.»

۱۲۰- گزینه ۴ «اگر می‌خواهی زود خوب شوی، بعد از دوش گرفتن استراحت کن و در یک اتاق یا مکان ساکت، آرام باش.»

۱۲۱- گزینه ۱ «سازمان ملل باید سعی کند که راه حل صلح‌آمیزی برای خاتمه درگیری پیدا کند.»

۱۲۲- گزینه ۲ «پسرم، مایکل، در یک مسابقه خوانندگی برنده شده و من به او افتخار می‌کنم.»

۱۲۳- گزینه ۲ «پسر بزرگ‌تر پادشاه ۹ سالش بود زمانی که پدرش مُرد.»

۱۲۴- گزینه ۳ «واضح نیست که آیا رئیس‌جمهور مایل به مذاکره با دموکرات‌ها هست.»

۱۲۵- گزینه ۲ «هیچ راه‌حل ساده‌ای برای مشکل آلودگی هوا وجود ندارد.»

۱۲۶- گزینه ۳ «پدر و مادرها باید یک سری اصول اخلاقی را به فرزندانشان آموزش دهند.»

۱۲۷- گزینه ۱ «اگر می‌خواهی که پول خوبی در بیاوری، باید با ارزش فعلی بازار، خانه را بفروشی.»

۱) ارزش ۲) عنوان ۳) رحمت، نعمت ۴) نقش

cloze 2

در یک جامعه منظم، سالمندان مستحق احترام زیادی از جانب نسل (۱۴۱) جوان تر هستند. مزایای زیادی از جانب سالمندان به ما می رسد. علاوه بر مهربانی های خاص آن ها که به صورت جداگانه انجام می شود، سالمندان ما منبع احترام (۱۴۲) و به طور کلی رفاه جامعه هستند. ما به طور مداوم در مورد مسائل شخصی از سالمندان مشاوره می گیریم. تجربه (۱۴۳) بیشتر آن ها در زندگی، آن ها را برای مشورت واجد شرایط می کند. نصایح آن ها توسط همگان در سرتاسر دنیا مورد تحسین قرار می گیرد (۱۴۴). یک فرد جوان بعد از گذراندن یک یا دو امتحان، یا (۱۴۵) حتی قبل از قبول شدن، فکر می کند که بسیار باهوش است و از افراد مسن با تحصیلات پایین تنفر دارند. این به هیچ عنوان نشانه بزرگی نیست.

۱۴۱- گزینه ۱

۱) نسل ۲) الهام ۳) تحصیلات ۴) توصیف

۱۴۲- گزینه ۳

۱) شکست ۲) فشار ۳) احترام، افتخار ۴) نتیجه

۱۴۳- گزینه ۲

۱) مسئولیت ۲) تجربه ۳) تفکر ۴) آزمایش

۱۴۴- گزینه ۱

عبارت مجهول است و زمان آن حال ساده، نایب فاعل غیر قابل شمارش است و در نتیجه is appreciated پاسخ صحیح است.

۱۴۵- گزینه ۴

دو عبارت که به یکدیگر متصل شده اند دو گزینه جهت انتخاب هستند، در نتیجه or حرف ربط مناسب برای اتصال آن ها است.

Reading 1

روزی روزگاری یک استاد روان شناسی قدم بر روی بین گذاشت. او مشغول آموزش اصول کنترل استرس به کلاسی بود که از دانشجویان پر شده بود. از آن جایی که یک لیوان پر از آب را در دست داشت، همه فکر کردند او می خواهد سؤال رایج «نیمه پر و نیمه خالی لیوان» را مطرح کند. به جای آن، با لبخندی که بر لب داشت، استاد پرسید: «وزن لیوانی که در دست من است، چه قدر است؟» دانشجویان جواب های متفاوتی را فریاد می زدند. او پاسخ داد: «به نظر من، وزن دقیق این لیوان مهم نیست. این به آن بستگی دارد که چه مدت من آن را نگه دارم. اگر آن را برای یک یا دو دقیقه نگه دارم، سبک است. اگر برای یک ساعت نگه دارم، وزن آن ممکن است باعث شود دستم کمی درد بگیرد. اگر آن را برای یک روز نگه دارم، بازوی دستم خواهد گرفت و قادر نخواهم بود برای چند روز دستم را تکان دهم، مجبور می شوم که لیوان را به روی زمین بیندازم. در هر حالت، وزن لیوان تغییر نمی کند، ولی هر چه بیشتر آن را نگه دارم، وزن آن برای من بیشتر است.»

همین طور که جمعیت با تکان دادن سرشان موافقت خود را اعلام می کردند، او ادامه داد، «نگرانی و استرس های شما در زندگی مانند این لیوان آب است. برای مدتی به مشکلاتتون فکر کنید و هیچ چیزی رخ نخواهد داد. کمی بیشتر به آن ها فکر کنید و کمی دچار ناراحتی می شوید. کل روز به آن فکر کنید و کاملاً از انجام هر کاری ناتوان می شوید تا زمانی که آن ها را کنار بگذارید.»

۱۴۶- گزینه ۳

ایده اصلی متن چیست؟

- استرس های ما به سبکی آب است.
- اگر لیوانی را برای یک روز نگه دارید، در پایان روز آن را خواهید انداخت.
- وزن نگرانی های ما بستگی به آن دارد که چه مدت آن ها را نگه داریم.
- ما باید نیمه پر لیوان را ببینیم تا بر مشکلاتمان غلبه کنیم.

۱۴۷- گزینه ۴

چه چیزی برای پروفیسور مهم بود؟
 ۱) نیمه خالی لیوان ۲) وزن لیوان
 ۳) نیمه پر لیوان ۴) چه مدت لیوان نگه داشته می شود.

۱۴۸- گزینه ۱

کلمه «them» در خط آخر به چه چیزی اشاره می کند؟
 ۱) نگرانی ها ۲) لیوان ها ۳) دانش آموزان ۴) بازوها

۱۴۹- گزینه ۲

بهترین عنوان برای این متن چیست؟
 ۱) نیمه خالی لیوان ۲) وزن لیوان
 ۳) استاد روان شناسی ۴) چگونه یک لیوان را بیندازیم

Reading 2

مریم میرزاخانی اولین خانمی شد که برنده مدال فیلدز، معتبرترین جایزه در ریاضیات شد. میرزاخانی ۳۷ ساله، مدرک دکترای خود را در سال ۲۰۰۴ از دانشگاه هاروارد گرفت.

در دوران کودکی اش، رویای نویسنده شدن داشت. مهیج ترین سرگرمی او خواندن رمان بود؛ در واقع، او هر آن چه را که می توانست پیدا کند، مطالعه می کرد. تا سال آخر دبیرستان او هیچ وقت فکر نمی کرد که ریاضیات را دوست خواهد داشت. او در خانواده ای با سه خواهر و برادر بزرگ شد. همیشه پدر و مادرش بسیار حامی و مشوق بودند. برای آن ها مهم بود که فرزندانشان شغل رضایت بخش و بامعنایی داشته باشند، ولی به آن اندازه به موفقیت ها و دستاوردها اهمیت نمی دادند.

از جهات بسیاری، محیط بسیار خوبی برای او بود، اگرچه که دوران جنگ ایران و عراق زمان بسیار سختی بود. برادر بزرگ ترش کسی بود که او را به طور کلی علاقه مند به علوم کرد. او عادت داشت که هر آن چه در مدرسه یاد می گرفت به او بگوید. اولین خاطره او از ریاضیات شاید زمانی بود که به او درباره مسئله جمع کردن اعداد از ۱ تا ۱۰۰ گفت. او فکر می کرد که برادرش آن را در مجله محبوب «گاس» چگونه این سؤال را حل کرد، خوانده بوده است. راه حلش برای او بسیار جذاب بود. این اولین بار بود که او از یک راه حل زیبا لذت می برد، اگرچه که او نتوانست خودش آن را پیدا کند.

۱۵۰- گزینه ۳

کدام جمله در مورد میرزاخانی صحیح است؟
 ۱) پدر و مادرش می خواستند که او یک ریاضی دان شود.
 ۲) جنگ محیط پرمعنایی را برای او ایجاد کرد.
 ۳) برادرش او را تشویق به یادگیری علوم کرد.
 ۴) او خودش مسئله جمع اعداد از ۱ تا ۱۰۰ را حل کرد.

۱۵۱- گزینه ۲

واژه «them» در خط ۵ به چه چیزی اشاره می کند؟
 ۱) خواهرها و برادرهایش ۲) پدر و مادرش
 ۳) خانواده اش ۴) کتابهایش

۱۵۲- گزینه ۳

کدام جمله صحیح نیست؟
 ۱) او حدوداً ۱۷ ساله بود که تشخیص داد به ریاضیات علاقه دارد.
 ۲) حتی اگر او سؤالات ریاضی را حل نمی کرد، مجذوب آن می شد.
 ۳) داشتن کار خوب کم اهمیت تر از به دست آوردن دستاوردهای بزرگ است.
 ۴) او هر آن چه را که می توانست مطالعه کرد.

۱۵۳- گزینه ۴

اولین خاطره او از ریاضی چه بود؟
 ۱) به پایان رساندن دکترایش در سال ۲۰۰۴ در دانشگاه هاروارد
 ۲) سال آخر دبیرستانش
 ۳) بردن جایزه فیلدز
 ۴) مسئله جمع اعداد از ۱ تا ۱۰۰

Reading 3

بشر باید در جامعه زندگی کند. از همین رو او باید رفتار خوب و این که چگونه با دیگران رفتار کند را بلد باشد. چگونه باید رفتار کند؟ او باید به نظرات دیگران احترام بگذارد. او باید به بزرگ‌ترهای خود احترام بگذارد. او باید ملایم و مؤدب باشد. پاسخ او همیشه باید دلنشین باشد. حقیقت، بدون شک، همیشه شیرین نیست. اما حتی حقیقت تلخ می‌تواند با استفاده از کلمات دلنشین شیرین شود. چه کسی می‌تواند تیزبودن زبان فردی را دوست داشته باشد؟ بنابراین هیچ کسی شما را دوست نخواهد داشت اگر رفتار خوبی نداشته باشید.

اما مردمی هستند که هنر دشمن‌ساختن را بلد هستند. آن‌ها چیزی از رفتار خوب نمی‌دانند و در رفتار خود بسیار خشن هستند. در دوران اخیر، دانش‌آموزان به معلم خود، بی‌احترامی می‌کنند. آن‌ها به راحتی به دختران و پسران ساده آسیب می‌رسانند. همه این‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها دچار کمبود فرهنگ می‌باشند و اصولی ندارند. نتیجه‌اش آن است که چنین دانش‌آموزانی همه‌جا منفور هستند. بنابراین یادگیری رفتار خوب در سنین پایین ضروری است. یک خانه خوب بهترین مدرسه برای آموزش رفتارهای خوب است. یک جامعه خوب نیز به شما کمک می‌کند آداب را فراگیرید. اما رفتار خوب را نباید طوطی‌وار فراگرفت. رفتار شما باید طبیعی باشد. فقط «تشکر» با یک لیخند کافی نیست. رفتارهای خوب، کیفیت اخلاقی است. نشان‌دادن رفتارهای خوب به تنهایی مانند مار در زیر چمن یا سمی شیرین است. خوب نیست که بر روی زبان خود عسل داشته باشیم و در قلبمان زهر؛ بنابراین، شما واقعاً باید دوست‌داشتنی باشید، نه این که تنها ظاهری شیرین داشته باشید.

۱۵۴- **گزینۀ ۲** مردم باید رفتار خوبی داشته باشند به خاطر آن که

- (۱) باید به دیگران احترام بگذارند (۲) باید در جامعه زندگی کنند
- (۳) باید مؤدب باشند (۴) باید حقیقت را بگویند
- ۱۵۵- **گزینۀ ۳** کدام یک از گزینه‌ها روشی نیست که یک نفر باید رفتار کند؟
- (۱) هر فردی باید مؤدب باشد.
- (۲) هر فردی باید به نظر دیگران احترام بگذارد.
- (۳) هر فردی باید حقیقت را با کلمات تلخ بیان کند.
- (۴) هر فردی باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارد.

۱۵۶- **گزینۀ ۳** واژه «they» در خط ششم به چه چیزی اشاره می‌کند؟

- (۱) معلم‌ها (۲) مردم (۳) دانش‌آموزان (۴) دشمنان

۱۵۷- **گزینۀ ۱** رفتارهای خوب

- (۱) باید در سنین پایین فرا گرفته شوند
- (۲) باید طوطی‌وار فرا گرفته شوند
- (۳) باید باعث شود شما دوست‌داشتنی به نظر برسید
- (۴) باید کمک کند که زهر در قلب خود داشته باشید

Reading 4

معلمان شایسته احترام از جانب اولیا، دانش‌آموزان و جامعه هستند به خاطر آن که آن‌ها نقش مهمی در شکل‌دادن جامعه ایفا می‌کنند. از طریق آن‌ها، ما به دانش و مهارت‌هایی دست می‌یابیم و مهارت‌هایی را کسب می‌کنیم که ما را تبدیل به انسان‌هایی مفید در جامعه می‌کنند. ما باید به خاطر تلاش‌هایی که معلم‌مان می‌کنند که ما را به آن چه که هستیم، تبدیل کنند، به آن‌ها احترام بگذاریم و مطیع آن‌ها باشیم. هر کس که بتواند این مقاله را بخواند، می‌تواند درک کند که معلمانشان چه کاری جهت پیشرفت آن‌ها کرده‌اند. برای ورزیده کردن بدن شما با بازی‌ها و تمرینات سالم، برای آموزش درس‌ها به شما، جهت مشاهده و هدایت پیشرفت شما، شما باید بدانید که معلمان شما چه مقدار سختی کشیده‌اند.

وقتی ما به معلمان احترام بگذاریم و مطیع آن‌ها شویم، آن‌ها انگیزه برای انجام وظایف خود پیدا می‌کنند و به دانش‌آموزان جهت کسب دانش کمک می‌کنند. اطاعت کردن از معلم‌ها و احترام‌گذاشتن به آن‌ها نیز نوعی یادگیری است. دانش‌آموزان می‌توانند با دقت به سخنرانی‌ها گوش کنند و آن چه در کلاس تدریس می‌شود را بفهمند، زمانی که آن‌ها (معلم‌ها) در بهترین حالت باشند و به صورت مؤثری تدریس کنند. درس‌ها باید در مدرسه فرا گرفته شوند، بدن شما باید سلامت و قوی شود، شخصیت شما باید شکل بگیرد، همه این‌ها به نفع خود شماست. این هدف آموزش در مدرسه است. بدون احترام‌گذاشتن به معلم‌ها، شاید نسل جوان‌تر متوجه مزایای آموزش و یادگیری نشوند.

۱۵۸- **گزینۀ ۳** براساس متن، معلم‌ها با همه موارد زیر به شما کمک می‌کنند، به جز

- (۱) شکل‌دادن یک شخصیت خوب (۲) داشتن بدن سالم
- (۳) با انگیزه شدن (۴) کسب علم
- ۱۵۹- **گزینۀ ۲** نسل جوان‌تر ارزش تحصیلات را خواهند دانست اگر آن‌ها

- (۱) برای دست‌یافتن به حقیقت کسب دانش کنند
- (۲) به معلم‌هایشان احترام بگذارند
- (۳) وظایفشان را انجام دهند
- (۴) با دقت به معلم‌هایشان گوش کنند

۱۶۰- **گزینۀ ۳** واژه «their» در پاراگراف دوم به چه چیزی برمی‌گردد؟

- (۱) دانش‌آموزان (۲) سخنرانی‌ها
- (۳) معلمان (۴) جامعه

۱۶۱- **گزینۀ ۲** به چه چیزی اشاره نشده که در مدرسه باید انجام شود؟

- (۱) یادگرفتن دروس (۲) آموزش سخنرانی
- (۳) شکل‌دادن شخصیت (۴) سلامت‌ساختن بدن